

سید علی



راهبردهای سیاست خارجی

برگرفته از بیانات

حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای (مدظله العالی)

رهبر معظم انقلاب اسلامی

در جمع سفرا و کارداران جمهوری اسلامی ایران

در خارج از کشور



در قفسه نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی)



مؤسسه پژوهشی فرهنگی
مقرنظ و نشر آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی)

راهبردهای سیاست خارجی

برگرفته از بیانات

حضرت آیت الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله العالی)

رهبر معظم انقلاب اسلامی

در جمع سفرا و کارداران جمهوری اسلامی ایران

در خارج از کشور

ناشر: انتشارات انقلاب اسلامی

(وابسته به مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی)

نسخه الکترونیکی

نشانی: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، خیابان دانشگاه جنوبی، کوچه عطارد، پلاک ۷

تلفن: ۶۶۹۷۷۲۶۸ - ۶۶۴۱۰۶۴۹ - تلفن پخش: ۰۹۱۹۵۵۹۳۷۳۵ - ۶۶۴۸۳۶۹۵

صندوق پستی: ۶۱۳ - ۱۳۱۸۵

BOOK@KHAMENEI.IR

فهرست مطالب

فصل اول.....	۱۳
دیپلماسی یک جنگ است.....	۱۵
جهت‌گیری اسلامی؛ خط درست دیپلماسی.....	۱۵
انقلابی‌گری در دیپلماسی.....	۱۵
اعتقاد و اقتدار در برابر دشمنان.....	۱۶
نگرانی از عدم هماهنگی و عدم تسلط در دستگاه دیپلماسی.....	۱۶
عقل دیپلماسی.....	۱۶
لزوم بیان صریح مواضع.....	۱۷
جوهر دیپلماسی.....	۱۷
تحرک دیپلماسی.....	۱۷
آثار عمل هنرمندانه در دیپلماسی.....	۱۷
ایران اسلامی؛ یکی از قوی‌ترین کشورها در دیپلماسی.....	۱۸
هنر دیپلماسی.....	۱۸
انتقال شوکت، عزت و اقتدار از خصوصیات و ابتکار شما.....	۱۹
دیپلماسی؛ ابزار کارآمد اقتدار نظام سیاسی.....	۱۹
دستگاه دیپلماسی؛ دست توانای حل مشکلات کشور.....	۱۹
اثرگذار بودن دیپلماسی.....	۱۹
انضباط مالی در دستگاه دیپلماسی.....	۲۰
اهمیت تقویت ارتباط با قرآن و تحکیم اعتقادات.....	۲۰
روحیه‌ی ایمان در دستگاه دیپلماسی.....	۲۱
دیپلماسی منفعل؛ بدترین نوع دیپلماسی.....	۲۱
منافع و تلاش‌ها در خدمت دیپلماسی.....	۲۲
لزوم تقویت روز به روز ظرفیت‌های دیپلماسی.....	۲۲
ایستادگی و پافشاری در اعتقادات خود.....	۲۲

۲۳	دیپلماسی کیفی
۲۳	تعلیم دادن فنّ دیپلماسی
۲۴	بیمناک بودن قدرت‌های جهانی از دیپلماسی قوی ما
۲۴	توسعه طلبانه و تجاوز کارانه نبودن دیپلماسی ما
۲۵	فصل دوم
۲۷	ایجاد ارتباط سالم با همه کشورها
۲۷	روابط با اروپا
۲۸	استدلال‌های محکم در ایجاد ارتباطها
۲۸	جدتی گرفتن روابط با آسیا
۲۹	روابط با کشورهای تاثیرگذار اروپایی
۲۹	تعامل با دولت‌ها در عین معنای دست نکشیدن از اصول و ارزش‌ها
۳۰	ارتباط با کشورهای آفریقایی
۳۰	جهت‌های ارتباطی با جهان
۳۱	لزوم رعایت مصالح کشور در روابطها
۳۱	زیرکی و مهارت در توسعه‌ی روابط
۳۳	فصل سوم
۳۵	اصول نه شرقی و نه غربی در سیاست خارجی
۳۵	عدول نکردن از موضع نظام
۳۵	فراموش نکردن هندسه سیاسی نظام
۳۶	ناراضی بودن دشمن از صدور انقلاب اسلامی
۳۶	عزت و حیات ما در مقابل زیاده طلبی
۳۶	کوتاه نیامدن سرسوزنی از منافع‌مان
۳۷	اقتدار و ابهت جمهوری اسلامی
۳۷	کسب ابهت و ارزش در صورت اتصال دائمی به انقلاب
۳۷	دلیل تاثیرگذاری جمهوری اسلامی در جهان
۳۸	تشنج زدایی؛ یکی از اصول سیاست‌های جمهوری اسلامی
۳۸	سیاست دولت آمریکا بر علیه ما
۳۹	لزوم تلاش در جهت کاهش تشنجات
۳۹	سیاست خارجی؛ نیمی از نظام سیاسی کشور
۴۰	تاکید بر استفاده از وفادارترین افراد در دستگاه دیپلماسی کشور
۴۰	امکان رساندن ایران اسلامی به قدرت حقیقی بین‌المللی

۴۰.....شاخص‌های عمده‌ی جهت‌گیری‌های سیاست خارجی

۴۱.....امتیاز خواص آمریکا از جمهوری اسلامی در مذاکرات

۴۲.....استقلال، ایستادگی و تسلیم در مذاکرات سیاسی

۴۲.....ایستادگی بر مسائل اصولی در مذاکرات

۴۲.....نقش آفرینی برای اسلام

۴۲.....مجموعه‌سازی در سیاست خارجی

۴۳.....تغییر اولویت‌ها بر اساس منافع ملی

۴۳.....استفاده از ظرفیت‌های جهان اسلام

۴۳.....سرعت عمل در مسائل جهانی

۴۴.....دفاع از هویت نظام و وظیفه دیپلمات‌ها

۴۴.....پایداری بر اصول و ارزشها و تسلیم نشدن در برابر قواعد بین‌الملل

۴۴.....در جهت ارزش‌ها و اصول بودن منافع ملی ما

۴۵.....توقف چرخه سوخت هسته‌ای؛ درخواست نابحق و ظالمانه

۴۵.....استقرار مخالفت با سلطه‌پذیری در سطوح دولتها و ملت‌ها

۴۵.....ظهور بیداری اسلامی در جهان

۴۶.....عدم استفاده‌ی جمهوری اسلامی از تروریسم

۴۶.....حکمت و مصلحت؛ از اصول سیاست خارجی

۴۶.....افزایش اعتبار کشور؛ اعلام مواضع اسلامی در جهان

۴۷.....مردود بودن وارونه‌جلوه دادن اهداف اسلامی

۴۷.....میدان سیاست خارجی میدان تلاش طلبی

۴۷.....لزوم حضور فعال در مجامع جهانی

۴۸.....موضع ما در حقوق بشر

۴۸.....استفاده از امکانات رسانه‌ای

۴۸.....هدف استکبار از تخریب روحیه مسئولین کشور

۴۸.....اهمیت حفظ ابهت انقلابی

۴۹.....سیاست نه شرقی و نه غربی

۴۹.....پیروی از خط امام در سیاست خارجی

۴۹.....گرایش‌های غلط در باب سیاست خارجی

۵۱.....فصل چهارم

۵۳.....دفاع از ملت‌ها و نهضت‌ها

۵۳.....تأثیرگذار بودن جمهوری اسلامی ایران

۵۵.....	فصل پنجم.....
۵۷.....	پرهیز از ضعف و نرمش در مقابل استکبار.....
۵۷.....	تبدیل شدن تهدیدها از مهارت دیپلماسی به فرصت‌ها.....
۵۷.....	تعیین کننده بودن تهدیدات در جهت گیری‌های سیاست خارجی.....
۵۸.....	لزوم جلوگیری از تحقیر شدن در مذاکرات.....
۵۸.....	جلای گرفتن تهدیدات.....
۵۹.....	ذکت و مرگ ملت در صورت پذیرش رابطه‌ی استکباری آمریکا.....
۵۹.....	احساسی برخورد نکردن.....
۵۹.....	آسب پذیری در صورت عدم تعمیق جبهه‌ی سیاسی در جهان اسلام و منطقه.....
۶۱.....	فصل ششم.....
۶۳.....	ظواهر اسلامی؛ از ویژگی‌های یک سفیر.....
۶۳.....	ویژگی‌های یک سفیر.....
۶۳.....	محیط تدین قرار دادن محیط سفارت.....
۶۳.....	اسلامی بودن محیط سفارت.....
۶۴.....	وظیفه سفرا: انتقال فرهنگ جمهوری اسلامی.....
۶۴.....	مجاهدت در عمل.....
۶۵.....	توصیه اخلاقی.....
۶۵.....	لزوم برخورد مهربانانه سفیر جمهوری اسلامی.....
۶۶.....	حرکت کردن روی هدفها، تکیه کردن و اعتماد به نفس.....
۶۶.....	اهمیت اطلاع از مسائل داخل کشور.....
۶۶.....	با اعتماد به نفس حرکت کردن.....
۶۷.....	توصیه به خانواده‌های دیپلمات‌ها.....
۶۸.....	پرهیز از کشاندن مسائل جناحی کشور به بیرون از مرزها.....
۶۹.....	اعتماد به نفس ملی و شجاعت در رفتارها.....
۶۹.....	تحرك و اثرگذاری در محیط از وظایف سفرا.....
۷۰.....	ارتباط تنگاتنگ دیپلمات‌ها با مسئولان کشور میزبان.....
۷۱.....	برخورداری از تحلیل رفتار کشورهای طرف رابطه.....
۷۱.....	خانواده دیپلمات‌ها.....
۷۱.....	تأکید نمایندگی سیاسی کشور بر مواضع سیاسی.....
۷۲.....	سفرای جمهوری اسلامی؛ دیده بانان نظام در جهان.....
۷۳.....	شاخص‌ها.....

بیانات در دیدار وزیر امور خارجه و نمایندگان سیاسی ایران در خارج از کشور.....	۸۱
راهبردهای مقام معظم رهبری به فعالان خطّ مقدم پیکار عظیم بین‌المللی.....	۸۳
روحیه‌ی اخلاص و توان‌طلبی.....	۸۳
انس با معارف اسلامی.....	۸۴
دیپلماسی عرصه‌ی هماورد و مقابله.....	۸۴
قوت قلب و عزم راسخ در دیپلماسی.....	۸۵
معنای مبارزه‌ی مقدّس.....	۸۶
آرمان‌های بلند، نقطه‌ی مقابل راحت‌طلبی.....	۸۷
شعارهای انعکاس انقلاب اسلامی همه‌ی نقاط.....	۸۷
دیپلماسی بر اساس حرکت آرمانی.....	۸۸
موفقیت در مذاکره: مرهون مبانی فکری.....	۸۹
تعیین‌کننده بودن استحکام درونی.....	۸۹
مراقبت از خود و خانواده در عرصه‌ی دیپلماسی.....	۹۰
انقلاب‌های منطقه به معنای حقیقی کلمه‌ی انقلاب.....	۹۱
شباهت و تفاوت‌های اساسی انقلاب‌های منطقه با انقلاب‌های گذشته.....	۹۱
صبغه‌ی اسلامی داشتن بیداری.....	۹۴
بی‌سابقه بودن حوادث اروپا و آمریکا.....	۹۴
مردم و ارزش‌های الهی؛ اساس دیپلماسی.....	۹۵
ورود در عرصه دیپلماسی با حفظ ارزش‌ها.....	۹۵
حرکت به جلو در عرصه‌ی پیشرفت‌های داخلی.....	۹۶
لزوم رصد هوشمندانه‌ی حوادث.....	۹۶
شاخص‌های بیان شده در دیدار وزیر امور خارجه و نمایندگان سیاسی ایران در خارج از کشور.....	۹۸
مروزی بر بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار وزیر امور خارجه و نمایندگان سیاسی ایران در خارج از کشور.....	۱۰۱

بسمه تعالی

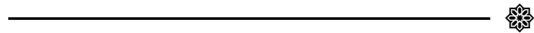
مقدمه

برقراری نظام جمهوری اسلامی به تعبیررسای بنیانگذار آن، حضرت امام خمینی (ره)، از نعمت‌های بزرگ الهی بر مردم این سرزمین و تمامی مستضعفین جهان بوده است. مروری بر تاریخ پرافتخار این نهضت و شکل‌گیری نظام مقدّس جمهوری اسلامی به روشنی نقش و تأثیر اصل مترقی ولایت فقیه و رهبری حکیمانه‌ی حضرت امام (ره) و پس از آن حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای، رهبر انقلاب اسلامی، را در هدایت انقلاب در کوران حوادث گوناگون روزگار نشان می‌دهد. مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی که وظیفه‌ی حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری را برعهده دارد، در اجرای همین وظیفه اقدام به انتشار کتابهای موضوعی به منظور نشر بیانات، دیدگاه‌ها و رهنمودهای معظم‌له در مقاطع، مناسبتها و موضوعات مختلف می‌نماید.

کتاب حاضر حاوی نکات مهم برگزیده از بیانات معظم‌له در موضوع راهبردهای سیاست خارجی در جمع سفرا و نمایندگی‌های جمهوری اسلامی در خارج از کشور در طول سال‌های مسئولیت ریاست جمهوری و همچنین دوران رهبری انقلاب اسلامی می‌باشد. روند دیپلماسی، ویژگی ارتباط با کشورها، راهبردهای اسلامی، دفاع از ملت و نهضت‌ها، آسیب‌شناسی سیاست خارجی، وظایف و ویژگی‌های سفرا و دیپلمات‌ها و... از جمله محورهای این نکات می‌باشد.

و من الله التوفیق

فصل اول



دیپلماسی یک جنگ است

دیپلماسی، یک جنگ است. شما این را به خوبی می‌دانید و آن را مثل جنگهای نظامی و برخوردهای اقتصادی که تاکتیک و عقب‌نشینی و حمله و جابه‌جایی و فریب جنگی دارد، لمس کرده‌اید. همه‌ی دیپلماتهای دنیا مشغول جنگند. ارزش و تأثیر آن جنگ هم، گاهی از جنگهای نظامی کمتر نیست؛ بلکه در مواردی هم بیشتر است. وقتی که هر کس با هر قدرت و تشکیلاتی، به جهت مخالفت با اسلام و جمهوری اسلامی، توان خود را بر دیپلماسی متمرکز کرد، کار واقعاً مشکل و دشوار می‌شود. این دیپلماسی، دیگر یک حرکت معمولی در میدان جنگ نیست؛ بلکه همچون رزمنده‌یی است که در جنگ پایش را بسته‌اند و یا مسیر حرکتش را گِل کرده باشند. ۱۳۶۸/۰۵/۳۱

جهت‌گیری اسلامی؛ خط درست دیپلماسی

اگر ما برای جامعه‌ی انقلابی و اسلامی، به دیپلماسی انقلابی و اسلامی قایل هستیم، باید در درجه‌ی اول جهت‌گیری اسلامی حفظ شود و گستاخی و شجاعت در مقابل تهدیدهای دشمنان و قدرتهای بزرگ و نیز حاکمیت عقل و منطق بر تصمیم‌گیریه‌ها و حرکات، مورد توجه قرار بگیرد. این، خط درست دیپلماسی است. ۱۳۶۸/۰۵/۳۱

انقلابی‌گری در دیپلماسی

انقلابی‌گری به آن است که ما مواضع اسلامی و انقلابی را قاطعانه و بدون رودربایستی و مرعوب شدن و خام شدن در مقابل برخی از چهره‌های امیدبخش کاذب، حفظ کنیم. ۱۳۶۸/۰۵/۳۱

اعتقاد و اقتدار در برابر دشمنان

جایی که ما پایبندی و اعتقاد دینی قوی‌یی نشان دهیم، دشمن در ما چیزی از قدرت را احساس خواهد کرد که چون او را درست نمی‌شناسد، ابهت آن در دلش جای خواهد گرفت. چنین اعتقاد و اقتداری ابهت است؛ و آلاً این اقتدارهای معمولی و ظاهری - چون پول و ثروت و علم و تسلیحات و ... - قابل فهم و تشخیص است و خلیه‌ها هم بیشتر از ما از آن برخوردارند. ۱۳۶۸/۰۵/۳۱

نگرانی از عدم هماهنگی و عدم تسلط در دستگاه دیپلماسی

در محیط خارج از کشور، دستگاه‌های جمهوری اسلامی، گاهی کارهایی می‌کنند که ناهماهنگی حاکم بر آن کارها، به ضرر نظام تمام می‌شود. به عنوان مثال، با کسی که نباید معامله با او انجام گیرد، معامله انجام می‌دهیم. حق دلالی به کسی می‌دهیم که نباید به او داده شود. شما باید کاری کنید که واسطه‌ها به کلی حذف شوند و خود دولت، مباشرةً معامله کند. اگر روال کار این‌گونه باشد که دولت مباشرةً معامله کند، انسان راضی‌تر است، تا این‌که فلان فرد ایرانی که شمشیر به دست گرفته تا به چهره و پیکر جمهوری اسلامی بزند، به عنوان دلال، وارد معامله‌ای شود که دولت به آن احتیاج دارد. واقعاً انسان از این بابت تأسف می‌خورد. این مسأله ناشی از چیست؟ ناشی از عدم هماهنگی، عدم حضور و عدم تسلط است. ۱۳۷۳/۰۵/۰۱

عقل دیپلماسی

همیشه باید یک عقل دیپلماسی بر کارهای دیپلماسی ما حکومت کند. عقل دیپلماسی یعنی همان چیزی که بین این هدف و این مبارزه‌ی اصولی و ظرافتهای دیپلماسی که نیاز ما را برآورده خواهد کرد، جمع می‌کند. ۱۳۷۴/۰۵/۰۲

لزوم بیان صریح مواضع

مواضعتان را در عرصه‌های دیپلماسی، صراحتاً بگویید؛ البته در مکان و زمان مناسب. خجالت نکشید از این که بگویید «جمهوری اسلامی، یک نظام مترقی و پیشرفته است» که البته هم هست. ۱۳۷۴/۰۵/۰۲

جوهر دیپلماسی

تلاش دیپلماسی، یک ابزار است و این ابزار لازمی است. اگر تلاش دیپلماتیک نباشد، وزارت خارجه فعال نباشد، متکرر نباشد و سفرا تلاش شبانه روزی نداشته باشند، دیپلماسی پیش نخواهد رفت. اما این یک ابزار است و ابزار، روی جوهری کار می‌کند. این جوهر چیست؟ یعنی تلاش دیپلماسی، بدون وجود یک جوهر، تأثیر زیادی نخواهد داشت. ۱۳۷۵/۰۵/۱۶

تحرک دیپلماسی

تحرک دیپلماسی، با این جوهر ذاتی است که می‌تواند سنگهای سخت را بشکافد و راه را باز کند. به عبارت دیگر، همان چیزی که موجب دشمنیها با ماست، همان چیز موجب پیشرفت دیپلماسی ماست. یعنی همین روحیه‌ی اسلامی، تمسک اسلامی، توسل و تمسک به اصول اسلام و طراحي یک راه و فرهنگ و تمدن نو برای بشریت که این کشور و این انقلاب و این نظام، این کارها را انجام داده است، موجب دشمنیها با ماست. درست همین هم، موجب پیشرفت کار ما و موجب احترام و توجه به ما و موجب این است که در صف کشورهای جهان سوم - که از لحاظ مالی و علمی هم‌تراز ما هستند - بارز و مشخص باشیم. ۱۳۷۵/۰۵/۱۶

آثار عمل هنرمندانه در دیپلماسی

وقتی که شما با طرف خودتان - با دیپلماتی که طرف شماست -

حرف می‌زنید، این یک مذاکره‌ی معمولی که انسان با دوستی نشسته و حرف می‌زند نیست؛ اگرچه انسان با دوستانش هم عاقلانه و خردمندانه حرف می‌زند؛ هر حرفی را نمی‌زند و هر حرفی را از او توقع نمی‌کند که بزند و هر تعبیری را به کار نمی‌برد. اینها هست؛ لیکن در دیپلماسی، یک چیز دیگر و هنرمندای وجود دارد. یک انسان باید بتواند مثل یک هنرمند عمل کند. شما می‌بینید که گاهی اوقات یک مفهوم را به هر زبان بیان کنید، به دل و ذهن مخاطب نمی‌رسد، مگر با زبان نمایش، مگر با زبان نقاشی و زبان شعر؛ فقط با هنر می‌رسد. دیپلماسی چنین چیزی است. چیزهایی در این زمینه بایستی به صورت هنرمندی انجام گیرد و ذوق هنری - که همان ذوق دیپلماسی است - باید در افراد باشد.

۱۳۷۶/۰۸/۲۷

ایران اسلامی؛ یکی از قوی‌ترین کشورها در دیپلماسی

ایران در صحنه‌ی دیپلماسی، امروز یکی از قویترین کشورهای دنیاست. چه قبول بکنند و چه نکنند، واقعیت قضیه این است. ایران کشوری است که این اقتدار و این توانایی و جوهر را در درون خودش دارد که در مقابل بزرگترین قدرت جهان - که کشورهای اروپایی حتی با احتیاط در مقابلش حرف می‌زنند - بایستد و صریحاً حرفهای او را رد کند.

۱۳۷۶/۰۸/۲۷

هنر دیپلماسی

با خردمندی، تجربه و هنر. بایستی این سه - یعنی دانش و خردمندی، تجربه و کارکشتگی و هنر و ظرافت - با همدیگر باشند، به صورتی که هنر، آنها را تحت تأثیر خودش قرار ندهد؛ که ما بگوییم هنر دیپلماسی ما ایجاب می‌کند این‌طور حرف بزنیم که برخلاف مصلحت باشد!

۱۳۷۶/۰۸/۲۷

انتقال شوکت، عزت و اقتدار از خصوصیات و ابتکار شما

ابتکار شما، جرأت شما، ایمان شما، تصمیم شما، خصلتها و خصوصیات اخلاقی‌ای که خدای متعال در شما قرار داده، یا خودتان در خودتان به وجود آوردید، همه‌ی اینها وسایلی هستند که در حقیقت شوکت و عزت و اقتدار نظام اسلامی را به اقصی نقاط عالم منتقل می‌کنند. ۱۳۷۹/۰۵/۲۵

دیپلماسی؛ ابزار کارآمد اقتدار نظام سیاسی

بسیاری از مشکلات کشورها را دیپلماسی توأم با ابتکار و اقتدار می‌تواند حل کند. در واقع دیپلماسی، ابزار کارآمد اقتدار نظام سیاسی است. اقتدار نظام سیاسی را بیش از بسیاری از دستگاههایی که حافظ و موظف به حفظ امنیت ملی هستند، دستگاه دیپلماسی و دستگاه اداره کننده‌ی سیاست خارجی می‌تواند به‌عهده بگیرد و تحقق بخشد. ۱۳۷۹/۰۵/۲۵

دستگاه دیپلماسی؛ دست توانای حل مشکلات کشور

آن دستگاهی که می‌تواند جلو حمله را سد کند، منافع کشور را تأمین کند، پیام دنیاپسند کشور را به دنیا برساند، دوست فراهم کند، اعتماد ایجاد کند، رابطه به وجود بیاورد و مجموعه‌های کارآمد درست کند، دستگاه دیپلماسی است. دستگاه دیپلماسی دست توانایی برای حل مشکلات کشور است. ۱۳۷۹/۰۵/۲۵

اثرگذار بودن دیپلماسی

من شأن دیپلماسی را فقط ایجاد رابطه نمی‌دانم. رابطه یکی از کارهایی است که باید کرد، که ما با فلان دوست رابطه داشته باشیم. دیپلماسی فقط این نیست. دیپلماسی، اثرگذاری است. همان‌طور که گفتم، دیپلماسی یعنی جلو حمله را سد کردن، یا فرصتی را در مقابل

نظام جمهوری اسلامی باز کردن. با توجه به این، در مذاکرات گوناگون باید از آن اصل پایبندی به اصول مستحکم و مقبول و متفق‌علیه نظام؛ آن چیزهایی که نظام صریحاً آنها را اعلان کرده، دفاع کنید. ممکن است حالا چهار تا مخالف هم در گوشه و کنار داشته باشد؛ آن مخالفت ملاک عمل شما نیست؛ آن اعلان صریح نظام ملاک عمل شماست.

۱۳۷۹/۰۵/۲۵

انضباط مالی در دستگاه دیپلماسی

سعی کنید با بودجه و امکانات محدود کشور، ولخرجی صورت نگیرد. حق مأمور، آن چنان که شایسته‌ی اوست، البته باید تمام و کمال داده شود؛ حتی یک مقدار هم روی آن اضافه شود، با عذرخواهی و تشکر؛ اما آنچه فراتر از این هست - سفره‌های گوناگون و هدیه دادنهای بی‌مورد - لزومی ندارد. در سفرهای خارجی معمول است که در سطح میهمانان عالی قدر هدیه مبادله می‌کنند؛ این هدیه‌ها غالباً متعلق به خود انسان نیست. در سفرهایی که زمان ریاست جمهوری می‌رفتیم، به ما هدیه می‌دادند؛ بنده همه را در نمایشگاهی جمع کردم که الان هم ظاهراً در دستگاه ریاست جمهوری وجود دارد. ما هیچکدام از این هدایا را وارد زندگی شخصی خود نکردیم. بنابراین هدایایی که به صورت رسمی مبادله می‌شود و مرسوم و معمول هم هست، نباید ملک شخصی به حساب آید. از این طرف که هدایا می‌دهند، هدایا را باید متناسب انتخاب کنند؛ هدایای گرانبه‌ای نباشد. ۱۳۸۱/۰۵/۲۷

اهمیت تقویت ارتباط با قرآن و تحکیم اعتقادات

خواهش می‌کنم عزیزان من در نمایندگیها، ارتباط خود را با قرآن قطع نکنند. اصرار دارم حتماً هر روز قرآن کریم را تلاوت کنید؛ ولو یک صفحه، ولو نیم صفحه؛ اما این هر روز تکرار شود. از دعاهای معتبر - بخصوص صحیفه‌ی سجّادیه - با توجه به معانی و مفاهیمش حتماً

استفاده کنید، ولو کم؛ اینها انسان را در همه‌ی میدانها قوی می‌سازد و در دل و روح و باطن خود احساس قدرت و قوت می‌کند. این احساس درونی نباید بشکند؛ اگر این احساس شکست، هیچکدام از سپرهای دفاعی مادی - نه سیاسی‌اش، نه اقتصادی‌اش و نه نظامی‌اش - انسان را نجات نخواهد داد. این دعاها، این نقش را ایفا می‌کنند. اگر بتوانید، صحیفه‌ی سجادیه را حتماً در نافله‌های نیمه شب بخوانید؛ اینها را جزو کارهای لازم بدانید. نگویند ما نماز واجب خود را هم با زحمت و زور می‌خوانیم و وقت نداریم؛ نه، اینها شوخی ندارد؛ اینها را باید خیلی جدی گرفت؛ نماز را خیلی باید جدی گرفت؛ توجه در نماز را خیلی باید جدی گرفت؛ اینها شما را آن چنان مستحکم می‌کند که در خود احساس قدرت می‌کنید. ۱۳۸۱/۰۵/۲۷

روحیه‌ی ایمان در دستگاه دیپلماسی

نه فقط در محیطهای دور از جمهوری اسلامی - که عوامل کاهنده‌ی روحیه‌ی ایمان در آن جاها زیادتر است - بلکه در مقدّس‌ترین اماکن هم اگر انسان مراقب خود نباشد و از خود حراست نکند، ایمان در تماس با مسائل روزمره‌ی زندگی و اهواء انسان - هواهای نفسانی که انسان را رها نمی‌کنند - کاهش خواهد یافت. باید ایمان را حفظ کرد. ۱۳۸۲/۰۵/۲۷

دیپلماسی منفعل؛ بدترین نوع دیپلماسی

ما باید ابتکار عمل، برنامه‌ریزی جامع و تفصیلی و سرعت عمل و پیگیری را در مجموعه‌ی دستگاه دیپلماسی کشور تقویت کنیم. ابتکار عمل در مسأله‌ی ارتباطات خارجی، بسیار مهم است. این که کشوری با دیپلماسی منفعل منتظر باشد دیگران چه می‌گویند و چه می‌کنند و بر اساس آن و به مقتضای ضرورت و موقعیت تصمیم بگیرد، بدترین شکل دیپلماسی است؛ باید از این به شدت پرهیز کنیم و مراقب باشیم این‌طور

پیش نیاید. ۱۳۸۲/۰۵/۲۷

منافع و تلاش‌ها در خدمت دیپلماسی

بخشهای فعال تجارت خارجی و غیره، انتقال فناوری و چیزهایی که ما در این زمینه با خارج ارتباط داریم، باید با وزارت خارجه چفت شود؛ یعنی سیاست خارجی ما در خدمت منافع اقتصادی و علمی و فرهنگی ما، و تلاش‌های اقتصادی و فعالیتهای بازرگانی و ارتباطات گوناگون دو جانبه‌ی ما با کشورها در خدمت دیپلماسی ما قرار گیرد. ۱۳۸۲/۰۵/۲۷

لزوم تقویت روز به روز ظرفیتهای دیپلماسی

ما همان هدفی را که از اول انقلاب تا امروز در امر سیاست خارجی دنبال کرده‌ایم، الان هم دنبال همان هدفیم. البته ظرفیتهای دیپلماسی ما به‌طور طبیعی تقویت می‌شود؛ تجربه، پختگی، کارآزمودگی بیشتر می‌شود؛ راههای نو و اهداف تاکتیکی نو پیدا می‌کنیم و بر اساس آن، ابزارهایی را یا پیدا می‌کنیم یا خلق می‌کنیم و عمل می‌کنیم؛ در این تردیدی نیست؛ ایستایی وجود ندارد؛ لکن اهداف راهبردی و قواره‌ی کلی سیاست خارجی امروز ما با ساعت اول انقلاب هیچ تفاوتی نکرده؛ این، آن نکته‌ی اساسی و اصلی است که در ذهن همه‌ی کارگزاران سیاست خارجی ما بایستی وجود داشته باشد. ۱۳۸۳/۰۵/۲۵

ایستادگی و پافشاری در اعتقادات خود

گاهی من می‌بینم سؤال میکنند - البته حالا کمتر، در دولتهای قبل بیشتر - که آقا! این پروتکل‌های مرسوم دیپلماسی را ما با دست ندادن با زن و با نمیدانم چه و چه به هم می‌زنیم؛ چه کار کنیم؟ توانسته بودند با همین سفسطه‌ها، از بعضی از معممین آن زمان مجوز هم بگیرند! نه، قوت شما به همین است که پافشاری کنید، ایستادگی کنید. این، استحکام شما را نشان می‌دهد که شما ایستادگی کنید. بزرگترین شخصیتها در

مقابل این استحکام شما، در مقابل این ایستادگی شما بر سر اصولتان، وادار به خضوع میشوند. در مجلسی که مشروب هست، نماینده‌ی جمهوری اسلامی شرکت نمیکند؛ با لباسی که آنها مایلند نماینده‌ی ما بپوشد - حتماً پاپیون بزنید، یا حتماً کراوات داشته باشید، یا حتماً فلان جور لباس بپوشید - نماینده‌ی ما میگوید نخیر، نمیخواهید، شرکت نمیکنم؛ میخواهید هم، همین جوری شرکت میکنم. این، خوب است. این، آن چیزی است که شما را در چشم طرف مقابل بزرگ میکند؛ هیبت شما را زیاد میکند؛ این ارزش دارد. پافشاری بر اصول، بر مبانی شرعی؛ هم اصول در اعتقاد و در فکر و در سخن، هم ظواهر شرعی در عمل.

۱۳۸۷/۱۲/۰۹

دیپلماسی کیفی

اگرچه کمیت در کار دیپلماسی مهم است - سفرهای زیاد، ملاقاتهای زیاد، گفتگوهای زیاد - اما کیفیت اهمیتش بیشتر است. هر ملاقات دیپلماسی، هر حرکت دیپلماسی، هر جوله‌ی دیپلماسی به کشورها، اینجا، آنجا، بایستی سنجیده، حساب شده و متکی بر پیش‌بینی‌های درست باشد تا بتواند اثر خودش را ببخشد؛ یعنی دیپلماسی کیفی.

۱۳۸۷/۱۲/۰۹

تعلیم دادن فنّ دیپلماسی

مذاکره‌ی دیپلماسی، یک فن است؛ فن پیچیده‌ای هم هست؛ خیلی هم آسان نیست. کسانی که وارد وزارت خارجه می‌شوند، بایستی برای آنها آموزشهای لازم و حتی دوره‌هائی گذاشته شود؛ دوره‌های فشرده که ریزه‌کاری‌ها و ظرافتهای فن دیپلماسی به آنها تعلیم داده شود.

۱۳۸۷/۱۲/۰۹

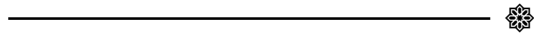
بیمناک بودن قدرت‌های جهانی از دیپلماسی قوی ما

ما شک نداریم که قدرتهای بزرگ جهانی از یک دیپلماسی قوی برای جمهوری اسلامی به شدت بیمناک و نگرانند. و علت هم همین است که ما برای انتقال پیامان از این دیپلماسی استفاده می‌کنیم، و علاوه بر این خود استقرار جمهوری اسلامی هم که با این دیپلماسی یقیناً این استقرار قوت پیدا می‌کند برای آنها ناخوشایند است. ۱۳۶۳/۰۵/۱۵

توسعه طلبانه و تجاوز کارانه نبودن دیپلماسی ما

ما چون دیپلماسیمان و هر نوع تحرکمان در رابطه‌ی با دنیا داری هدفهای خاصی است که این هدفها از مبانی انقلاب ما ناشی می‌شود، یعنی هدفهای توسعه طلبانه و تجاوز کارانه و اینها اصلاً نیست، و ما این را می‌توانیم تصور کنیم که در دنیا حکومتهای متعددی باشند، یعنی به هیچ وجه به فکر حکومت جهانی واحد به وسیله‌ی خودمان هم نیستیم که کسی تصور کند که ما می‌خواهیم همه‌ی دنیا را مسلمان کنیم، ما هم خودمان هم در رأسش باشیم. ۱۳۶۴/۰۵/۰۵

فصل دوم



ایجاد ارتباط سالم با همه کشورها

سیاست خارجی ما نسبت به گذشته هیچ تفاوتی نکرده و نمی‌کند. ما در گذشته هم تصریح کرده‌ایم و الان هم می‌گوییم که برای ایجاد ارتباط سالم و دور از تکلف و تحمیل، آماده‌ایم با هر کشوری - به جز چند استثنا که دلایل خاص و واضح خودش را دارد - ارتباط داشته باشیم. دولت‌های استثنا شده، مثل دولت نامشروع صهیونیستی است که در این مراد، اصولاً در طرف مقابل کسی وجود ندارد و این‌که هست، غیرقانونی است. ۱۳۶۸/۰۵/۳۱

روابط با اروپا

روابط را با اروپا، هرچه می‌توانیم، به آن صورت و آن قیمتی که برای ما می‌ارزد - نه به هر قیمتی - تعمیق کنیم. اگر بنا باشد که بخواهند تطاول به ارزشها و به حرفهای اساسی بکنند، آنوقت دیگر نه؛ آنوقت به نحو دیگر خواهد شد. ۱۳۷۶/۰۸/۲۷

ما بایستی تفهیم کنیم که غرب مساوی با امریکا نیست. ما روابط با اروپا را بایستی روابط تقویت شده‌ای قرار دهیم. البته روابط با اروپا باید با توجه به شگردهای دیپلماسی آنها باشد. تهدید دارند، تطمیع دارند - همان‌طور که گفتم - ترساندن طرف دارند، گاهی کارهای ناجوانمردانه دارند؛ باید اینها مورد توجه باشد. یعنی در مقابل اینها هیچ اغمازی نباید کرد. عالم دیپلماسی، عالم اغماض و رودربایستی و ملاحظه‌کاری و «حالا این دفعه را بگذریم ببینیم چه می‌شود»، نیست. عالم بده بستان یا - به تعبیری - بزن و بخور است؛ صریح و بدون ملاحظه است. ۱۳۷۹/۰۵/۲۵

استدلال‌های محکم در ایجاد ارتباطها

در همه‌ی این زمینه‌های سیاست خارجی - که سرفصلها و عنوانهای مشخص و واضحی اعلان شده است - استدلالهای محکم پشت سرش وجود دارد. ما در نوع رابطه‌مان با امریکا، استدلالهای محکم و خدشه‌ناپذیر داریم. در مورد رفتارمان در زمینه‌ی مذاکرات خاورمیانه، استدلالهای محکم و غیرقابل خدشه داریم؛ یعنی حرفهایی که در هر جمع اهل فکری مطرح شود، تصدیق می‌کنند که حرفهایی منطقی، قوی، عمیق و منطبق با مصالح کشور است. در زمینه‌ی رفتارمان با مجموعه‌ی اروپا - همان رفتاری که می‌دانید و مشخص شده است و براساس آن کار می‌شود - استدلالهای متین و محکم وجود دارد. در زمینه‌ی رفتارمان با کشورهای اسلامی - بخصوص کشورهای همسایه - که بر تشنج‌زدایی و نزدیک شدن و رفع سوءتفاهمها و دلگرمیهای روز افزون اصرار هست، استدلالهای محکم وجود دارد. در زمینه‌ی رفتارمان با ملت‌های مسلمان و گروه‌های ملی که در دنیا به‌طور مشخص از آنها نام برده می‌شود - مثل مبارزان فلسطین و مبارزان لبنان - استدلالهای محکم وجود دارد؛ که هر جا این استدلالها مطرح شود، آن کسی که اهل منطق است - بخصوص اهل آشنایی با مسائل سیاسی دنیاست - آن را قبول خواهد کرد؛ تصدیق خواهد کرد که این استدلال درست و متین و محکم است.

۱۳۷۸/۰۵/۲۵

جدی گرفتن روابط با آسیا

من تقویت روابط با آسیا را هم یک فصل بسیار مهمی می‌دانم؛ بارها هم به دوستان در وزارت خارجه این را گفته‌ام که ما باید به آسیا یک نگاه جدی بکنیم. متأسفانه هنوز کسانی هستند که حتی معامله‌ی با روسیه را، معامله‌ی با مالزی را، معامله‌ی با هند را جدی نمی‌گیرند. دوست نمی‌دارند؛ میل دلشان همیشه به یک کشور اروپایی است؛ ولو آن کشور اروپایی، یک کشور درجه‌ی سه باشد - فرض کنید هلند یا

دانمارک - آن را بر معامله‌ی با چین و بر معامله‌ی با روسیه ترجیح می‌دهند! این یک خطاست؛ باید با آن مبارزه کنید؛ اگر در جایی وجود دارد، آن را از وزارت خارجه بزدایید. ۱۳۷۹/۰۵/۲۵

روابط با کشورهای تاثیرگذار اروپایی

بنده اعتقاد این است که ما اگر بتوانیم منهای اتحادیه‌ی اروپا، با عناصر اثرگذار اروپایی ارتباط نزدیک برقرار کنیم، این بیشتر به نفع ماست. اتحادیه‌ی اروپا هم حالا واقعیتی است، چاره‌ای هم نداریم که با آن نیز ارتباط داشته باشیم، اما این مانع از این نیست که با کشورهای اروپا که با ما امکان رابطه‌ی بیشتری دارند، ارتباطات نزدیکتری برقرار کنیم؛ ما می‌توانیم با فرانسه نقاط مشترکی پیدا کنیم که با انگلیس پیدا نمی‌کنیم. ما می‌توانیم با ایتالیا نقاط مشترکی پیدا کنیم که با هیچ کشور اروپایی دیگر پیدا نمی‌کنیم. چرا از این امکانات استفاده نکنیم؟! عین همین قضیه در مورد بعضی کشورهای دیگر اروپا هست؛ کشورهای کوچکتر مثل اتریش، اسپانیا و جاهای دیگر. بنابراین قطعاً یکی از اولویتهای، پرداختن به اروپا و آسیاست. البته کشورهای اروپایی که در عرصه‌ی بین‌المللی دارای قدرت تأثیرگذاری‌اند، اینها هم یکی از اولویتهایند.

۱۳۸۱/۰۵/۲۷

تعامل با دولت‌ها در عین معنای دست نکشیدن از اصول و ارزش‌ها

تعامل با دولت‌ها به هیچ‌وجه به معنای دست کشیدن از اصول و ارزش‌ها نیست. این خطاست که فکر کنیم اگر بخواهیم سیاست خارجی ما در دنیا پیشرفت کند، باید از اصول خود دست برداریم؛ نه. به قیمت دست برداشتن از اصول، ما دنبال مقبولیت جهانی نمی‌رویم. مقبولیت جهانی، بسیار خوب است، اما نه به قیمت دست برداشتن از اصول مورد قبول جمهوری اسلامی؛ چون آن اصول، هویت ملی و جمعی ماست و نمی‌توانیم این را از دست بدهیم. ملتها برای حفظ این هویت، جانهای

خود را فدا می‌کنند. ۲۷/۰۵/۱۳۸۲

ارتباط با کشورهای آفریقایی

از روابط اقتصادی برای کیفیت دادن به روابط سیاسی باید استفاده بشود حالا شاید در دنیا به عکس این در خیلی جاها به عکس این یعنی روابط سیاسی مقدمه‌ی بهره‌وری اقتصاد است ما نه برایمان روابط سیاسی مهم است البته نه این که روابط اقتصادی مهم نیست چرا آن هم مهم است به خصوص در مثلاً آفریقا و کشورهای آفریقایی و اینها ما اصلاً سیاست کلی دولت این بوده که هر چه بتوانیم خودمان را با اینها متصل و مرتبط کنیم اما این روابط اقتصادی اگر بتواند به روابط سیاسی ما ارتباطات عاطفی دو دولت و دو ملت کیفیت بدهد این حداکثر استفاده از این شد که بایستی هم بشود ۱۹/۱۰/۱۳۶۲

جهت‌های ارتباطی با جهان

ما به طور قاطع برای ارتباط با دولت‌ها مبنای فکری و انقلابی و اسلامی داریم. اگر ما گفتیم که ما می‌خواهیم - یعنی جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی می‌خواهد - با ملت‌ها ارتباط داشته باشد این به معنای نفی ارتباط با دولت‌ها نیست، ما با دولت‌ها بر طبق یک مبنای اسلامی انقلابی منطقی ارتباط باید برقرار کنیم، و دو تا جهت و هدف هم از این ارتباط ما داریم. یک هدف همان هدفی است که همه‌ی کشورهای دنیا دارند، و همه‌ی دولت‌ها در طول تاریخ داشتند از روابط دیپلماسیشان، و او رفع نیاز است؛ چون تنها نمی‌توان زندگی کرد. در یک حصار در بسته امکان اکتفاء و استغناء وجود ندارد، نیاز و احتیاج حتمی برای تبادل هست. هم از لحاظ اقتصادی، هم از لحاظ سیاسی، هم از لحاظ فنی و پیشرفتهای علمی و اینها و هم از بقیه‌ی جهات، مثل جهات تبلیغاتی. حقاً جمهوری اسلامی اگر با دولت‌ها ارتباط صحیح و منطقی و برنامه‌ریزی شده و پیش‌بینی شده نداشته باشد مردم ایران حق دارند از دولت جمهوری

اسلامی بپرسند آقا چرا؟ برای خاطر این که نیازهایشان برآورده نخواهد شد. نه فقط نیازهای اقتصادی و مادی و علمی و اینها - که طبیعی است که در داخل مرزهای یک کشوری همه‌ی نیازهای یک ملت قطعاً برآورده نمی‌شود، به خصوص کشوری مثل کشور ما که این همه به آن لگد خورده و یک ویرانه‌ای شده و ویرانه‌اش دست ما افتاده که ما برای سر و صورت دادن و همین ظاهرش را آراسته کردن چقدر احتیاج داریم به دیگری - بلکه برای همه‌ی کشورها، حتی کشورهای آباد، کشورهای سرشار از منابع طبیعی و همه چیز دیگر. و نه فقط گفتیم احتیاجات صنعتی و فنی و نمی‌دانم مادی و اینها بلکه احتیاجات سیاسی. امروز اگر چنانچه جمهوری اسلامی دوستان قابل اطمینانی پیدا نکند در دنیای سیاست قطعاً سیاستمداران دنیا با ضربات سخت سیاسی جمهوری اسلامی را زیر فشار قرار خواهند داد و او را خواهند شکست، در این شکی نیست و هیچ چیزی نمی‌تواند مانع بشود، ما مجبوریم که این را داشته باشیم. ۱۵/۰۵/۱۳۶۳

لزوم رعایت مصالح کشور در روابطها

در زمینه‌ی روابط با کشورهای دیگر بایستی دقیقاً مصالح کشور رعایت بشود. گاهی اوقات می‌شود که این روابط برخلاف آن چیزی است که در بادی امر یک آدم احساساتی آن را احساس می‌کند. باید آن احساسات را زیر پا گذاشت، و آن روش منطقی و حکیمانه‌ی صحیح را پیمود. ۱۲/۰۸/۱۳۶۳

زیرکی و مهارت در توسعه‌ی روابط

من معتقدم هم که توی کشورها، زبلی یکی از شرایط اصلی نماینده‌ی سیاسی ماست که زبلی کند، از امکانات استفاده کند، خودش را همه جا بیاندازد منتها عاقلانه و پخته. ما برای ایجاد رابطه، توسعه‌ی رابطه، تحکیم رابطه با این کشورهایی که شما هستید همیشه آمادگی داریم،

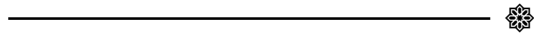
راهبردهای سیاست خارجی

————— ❁ ۳۲

بگردید راههای مناسب را برای این تحکیم روابط پیدا کنید.

۱۳۶۳، ۱۱، ۳۰

فصل سوم



اصول نه شرقی و نه غربی در سیاست خارجی

اصل سیاسی و زیربنای «نه شرقی، نه غربی» ما هم به هر حال محفوظ است. بر اساس این اصل، سیاست ما تابع هیچ رکنی - نه شرق و نه غرب - نخواهد شد و این جزو اصول و مبانی ماست و هیچ شکی هم در این نیست و تغییرپذیر هم نیست. این، اصلاً سیاست نیست؛ بلکه مبنا و پایه‌ی نظام است و منافاتی هم با ارتباط ندارد. آقایان در این جهت حرکت بکنید و ارتباطات را بر مبنای تفکر و اعتقاد و راه اسلامی، مستحکم نمایید. ۱۳۶۸/۰۵/۳۱

عدول نکردن از موضع نظام

ما به عنوان یک نظام، فرقه‌های عنصری و جوهری با تقریباً همه‌ی نظامهای دنیا داریم که کاریش هم نمی‌شود کرد. ما یا باید از حرفهایمان عدول کنیم، یا باید روی دنیا تأثیر بگذاریم. از این دو کار، کدام یک برای ما آسانتر است؟ مسلماً دومی. چون اولی اصلاً امکان ندارد. زیرا روزی که جمهوری اسلامی از حرفها، ارزشها و اصول خود عدول کند، دیگر جمهوری اسلامی نیست. آن زمان، جمهوری اسلامی فقط یک اسم خواهد بود. ۱۳۷۳/۰۵/۰۱

فراموش نکردن هندسه سیاسی نظام

مواضع آن است که هندسه‌ی سیاسی جمهوری اسلامی را فراموش نکنیم و بدانیم کجا قرار داریم و به کدام سمت حرکت می‌کنیم. این که یادتان باشد، همیشه مبارزه و مجاهده و تلاش در وجودتان خواهد بود؛ چون من و شما آدم‌اسلامیم. از خودمان که چیزی نداریم و کسی نیستیم. ۱۳۷۴/۰۵/۰۲

ناراضی بودن دشمن از صدور انقلاب اسلامی

تواضع ما در مقابل قدرتهای بین‌المللی، بخصوص در مقابل امریکا، اصلاً اینها را راضی نمی‌کند. آنچه که آنها را راضی می‌کند، این است که ما از وجود اسلامی خودمان متخلی شویم. این، آنها را راضی می‌کند؛ چون آنچه که جلو صدور انقلاب را می‌گیرد، این است. تا حضور اسلامی هست و به هر قوتی که باشد، ما شعاع را در بیرون گسترش می‌دهیم. این، دشمن را ناراضی می‌کند. ۱۶/۰۵/۱۳۷۵

عزت و حیات ما در مقابل زیاده‌طلبی

اگر جمهوری اسلامی بخواهد عزت و حیات خود را حفظ کند، باید در مقابل افزون‌خواهی و زیاده‌طلبی آنها، قاطعیت نشان دهد. لذا در کار دیپلماسی، این اصل اساسی است و همان چیزی است که احیاناً مایه‌ی دردسر می‌شود. ۱۶/۰۵/۱۳۷۵

کوتاه نیامدن سرسوزنی از منافع‌مان

جنگ، جنگ است؛ دیپلماسی هم یک جنگ است! همه‌ی شما این را دانسته باشید - اگر چه قاعدتاً شما هر کدامتان که چند سالی سابقه‌ی دیپلماسی داشته باشید، به این مطلب رسیده‌اید - دیپلماسی یک جنگ است، منتها جنگی در یک میدان و یک صحنه‌ی دیگر؛ چون هیچ‌گونه ملاحظه‌ای وجود ندارد! یعنی هیچ دولتی برای خاطر شما و دولت و ملت عزیز شما، سرسوزنی از منافع خودش نخواهد گذاشت. همه‌ی تلاشش را می‌کند تا آن قطره‌ی آخر منافعش را استیفا کند و اگر بتواند از منافع شما هم بگیرد!

شما هم برای ملت و برای کشور خودتان، متقابلاً حق ندارید که سرسوزنی از منافع کوتاه بیایید؛ بنابراین تمام تلاش خودتان را خواهید کرد که منافع خودتان را استیفا کنید. جنگ یعنی این! یعنی شما می‌زنید که منافع خودتان را استنقاذ کنید، ولو منافع طرف به خطر بیفتد! شما برای

منافع او دلسوزی ندارید؛ او هم می‌زند که منافع خودش را بگیرد، ولو منافع شما به خطر بیفتد!

جنگ یعنی این. دیپلماسی یک جنگ است. در جنگ، زد و خورد و دعوا هست؛ اگر کسی غفلت کرد، کتک می‌خورد. ما هیچ خلاف و انتظارمان نبود که در یک ماجرای جنگ دیپلماسی، به خاطر غفلت خودمان ضربه‌ای بخوریم. ۱۳۷۶/۰۸/۲۷

اقتدار و ابهت جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی در مقابل هر یک از این یادداشتهای، یادداشتی با همان لحن برایشان می‌فرستد. آنها از موضع بالا صحبت می‌کنند؛ جمهوری اسلامی هم از موضع بالا صحبت می‌کند. جمهوری اسلامی خیلی مقتدر است و ابهت نظام خیلی بیش از اینهاست. ۱۳۷۶/۰۸/۲۷

کسب ابهت و ارزش در صورت اتصال دائمی به انقلاب

انقلاب، خیلی ابهت دارد. شما کاری که می‌توانید، بکنید. زرنگی شما این است که خودتان را به انقلاب بچسبانید. هر چه می‌توانید خودتان را به انقلاب بچسبانید. ابهت به شما داده خواهد شد. برای شماها ابهت و ارزش قائلند. البته به احترام انقلاب، نه این‌که به خاطر اشخاص! ما - نه من، نه شما - اشخاص ما هیچ کدام چیزی نیستیم؛ انقلاب، خیلی بزرگ و خیلی پرمغز است، خیلی توپُر است، در آن خیلی حرف هست، یک ملت پشت سر ماست. ۱۳۷۶/۰۸/۲۷

دلیل تاثیرگذاری جمهوری اسلامی در جهان

آن دولتی که در سطح مسائل اقتصادی، مسائل سیاسی، مسائل اعتقادی، کیفیت اداره‌ی کشورش، قوانینش، ارتباطات داخلی و خارجی و معاملاتش، تحت تأثیر هیچ دولتی قرار نمی‌گیرد و هیچ فشار و تهدید و رودربایستی و ملاحظات بین‌المللی و محفلی و لابیهای کذایی رویش

هیچ اثری نمی‌گذارد، غیر از شما چه کسی در دنیاست؟ هرکسی را شما نگاه می‌کنید، به نحوی دستش زیر کارد قدرتهای بزرگ دنیاست. اگر در جایی اندک تخلفی بکند، مجبورش می‌کنند که با آنها کنار بیاید؛ بنابراین، فشارها، تهدیدها، ترسها، رودربایستیها، مجلسهای به ظاهر دوستانه و در باطن خائنانه‌ای که دارند، روی اینها اثر می‌گذارد. امروز این‌که یک دولت، صریح و آشکار و بدون هیچ ملاحظه‌ای اعلان کند - و همه بدانند این اعلان درست است - که برای ارتباطاتش، برای قبول فلان صلح منطقه‌ای، برای قبول فلان قرار بین‌المللی نادرست به نظر او، هیچ فشاری را قبول نمی‌کند، غیر از شما کسی نیست. این در دنیا احترام برانگیز است؛ این نکته‌ی خیلی مهمی است. این هم یکی از آن عواملی است که سفیر ما می‌تواند از آن حداکثر استفاده را بکند. ۱۳۷۸/۰۵/۲۵

تشنج زدایی؛ یکی از اصول سیاست‌های جمهوری اسلامی

در زمینه‌ی «تشنج‌زدایی»، این جزو سیاستهای اعلام شده است. ما به تشنج‌زدایی معتقدیم؛ اما تشنج‌زدایی با چه کسی؟ نه با کشور صهیونیستی که ما اساس وجود آن را قبول نداریم و اصلاً تشنج از ناحیه‌ی ما نسبت به او نیست. بیش از آنچه که از ناحیه‌ی ما باشد، از ناحیه‌ی اوست. اوست که وجود یک قدرت اسلامی، او را که سیاستش براساس هضم قدرت اسلامی بوده، تهدید می‌کند. این یک تهدید همیشگی است؛ یعنی وجود ما تهدید اوست، نه رفتار ما. البته دشمن قطعی ماست؛ با دشمن هم نمی‌شود نرمش نشان داد. از طرف دیگر، نه تشنج‌زدایی با امریکا؛ چون مسأله‌ی ما و امریکا، مسأله‌ی تشنج‌زدایی نیست. ۱۳۷۸/۰۵/۲۵

سیاست دولت آمریکا بر علیه ما

سیاست دولت امریکا امروز عبارت از این است که نظام اسلامی را به عنوان یک الگو از صحنه‌ی سیاست جهانی حذف کند؛ یعنی یا نظام را حذف کند، یا الگو بودن آن را حذف کند! بنابراین، هر امتیازی در شما

هست، آنها با آن مخالفند. پیشرفت اقتصادی شما به ضرر آنهاست؛ نه برای این که ما می‌گوییم «مرگ بر امریکا». اگر «مرگ بر امریکا» هم نگوییم، پیشرفت اقتصادی ما به ضرر آنهاست؛ به خاطر این که یک الگوی اسلامی در این جا به وجود آمده است. اگر این الگو در زمینه‌ی اقتصاد موفق شود، کشورهای دیگر تشویق می‌شوند. سیاست آنها بر این متکی است که نگذارند این کشور از لحاظ اقتصادی پیشرفت کند؛ البته تا آن جا که بتوانند. ۱۳۷/۷۰۵/۲۵

می‌بینید که سیاستهای امریکایی استکباری تعریف شده‌ی مشخص، براساس ایجاد مزاحمت برای جمهوری اسلامی است. اگر جمهوری اسلام، جمهوری اسلامی است؛ اگر یک دولت وابسته و یکی از اقماری امریکا نیست - مثل بعضی از کشورهایی که در اطرافمان کم هم نیستند - در چنین شرایطی، تنها چیزی که می‌تواند این ملت و سیاست خارجی ما را موفق کند، استحکام، منطق، قوت فکر، قوت عمل و اعتماد به نفس است. ۱۳۷/۷۰۵/۲۵

لزوم تلاش در جهت کاهش تشنجات

سعی کنید تا آن جایی که می‌توانید، براساس پایه‌های درستی حرکت کنید. البته بعضی جاها خیلی آسان است، بعضی جاها هم خیلی مشکل است؛ من می‌بینم و می‌دانم. به هر حال هر چه می‌توانید، باید سعی کنید تشنّج را بکاهید، ارتباطات را مستحکمتر نمایید و رفتارها را رفتارهای اطمینان‌بخشتری بکنید. تشنّج‌زدایی به هیچ وجه به معنای نقض سیاستهای اعلام شده‌ی مستدلّ منطقی متین ما نیست. ۱۳۷/۷۰۵/۲۵

سیاست خارجی؛ نیمی از نظام سیاسی کشور

سیاست خارجی و دستگاه اداره کننده‌ی سیاست خارجی، در حقیقت نیمی از نظام سیاسی است. نیمی به مسائل داخل کشور رسیدگی می‌کند

و نیمی رابطه و حدود و منافع کشور را در اقطار عالم دنبال می‌کند. سیاست خارجی جایگاهش این است. هرچه هم که دنیا از ارتباطات بیشتر و نزدیکتری برخوردار شود، این نقش، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.
۱۳۷۹/۰۵/۲۵

تاکید بر استفاده از وفادارترین افراد در دستگاه دیپلماسی کشور

دستگاه تخصصی و کارخانه‌ی دیپلماسی و ستاد اصلی دیپلماسی، وزارت خارجه است. طراح، تحقیق، بررسی، پیدا کردن روشها و اعمال آن روشها در زمینه‌های گوناگون، به وزارت خارجه نگاه می‌کند. بنابراین وزارت خارجه بسیار مهم است و من از این جهت همواره تأکید کردم، باز هم تأکید می‌کنم. به خاطر همین اهمیت، همواره عناصر تأثیرگذار و تعیین کننده در وزارت خارجه، باید نسبت به آرمان نظام سیاسی و جهت گیری نظام سیاسی، جزو وفادارترین انسانهای کشور باشند. باوفاترین، صمیمی‌ترین، خوشفکرترین و پُرانگیزه‌ترین انسانها باید این جا مجتمع شوند؛ چون کار، کار مهمی است. ۱۳۷۹/۰۵/۲۵

امکان رساندن ایران اسلامی به قدرت حقیقی بین المللی

من تصوّر این است که اگر ما برنامه‌ریزی کنیم - که لابد هم مقدمات و زمینه‌های این برنامه‌ریزی علی‌القاعده در وزارت خارجه وجود دارد - می‌توان فرض کرد که ایران اسلامی را به یک قدرت حقیقی منطقه‌ای و بتدریج به یک قدرت حقیقی بین‌المللی تبدیل کنیم. یعنی این زمینه امروز در کشور ما وجود دارد؛ ۱۳۷۹/۰۵/۲۵

شاخص‌های عمده‌ی جهت گیری‌های سیاست خارجی

شاخصه‌ی عمده این است که ما الگوهای تحمیلی دنیا - که باید گفت الگوهای تحمیلی غرب - را در مورد نظام سیاسی، در مورد نوع ارتباطات دیپلماتیک، در مورد نوع تعامل با مسائل جاری عالم، حاضر

نشدیم قبول کنیم. چند تا شاخص اصلی هم دارد: مسأله‌ی اسرائیل است؛ مسأله‌ی ملت‌ها و بعضی از نهضتهاست؛ خود مسأله‌ی امریکاست.
۱۳۷۹، ۰۵/۲۵

امتیاز خواص آمریکا از جمهوری اسلامی در مذاکرات

در مقابل قدرتی که شما قرار گرفتید - مثل قدرت امریکا - هرچه که شما امتیاز بدهید، یک امتیاز بعدی هم وجود دارد که باید بدهید. اگر ندادید، همین هياهو و جنجال هست. این گونه نیست که اگر شما این امتیاز را دادید، دیگر جنجال تمام شود؛ حالا بیایید مثلاً مذاکره کنید. بعضی افراد می‌نشینند فکر می‌کنند که ما بر اثر مذاکره نکردن با امریکا چه ضررهایی را متحمل می‌شویم؛ یا بر اثر رابطه نداشتن با امریکا چه ضررهایی را متحمل می‌شویم! من از این آقایان سؤال می‌کنم - خوب؛ شما دیپلماتید، سیاسی هستید؛ روی این مسأله باید فکر کنید - کدام امتیاز را اگر شما دادید، این مشکلات برطرف خواهد شد؟ اگر مذاکره کردید، مشکلات برطرف می‌شود؟ پشت میز مذاکره نشستید، این مشکلات برطرف می‌شود؟ مشکلاتی که فرض می‌شود از ناحیه‌ی امریکاست، آنها هم جای خدشه و مناقشه‌ی فراوان دارد. یا این که نه، پشت میز مذاکره، او وسیله‌ای پیدا می‌کند که حرف خودش را از همان موضع ابرقدرتی به شما بگوید که امروز نمی‌تواند بگوید. ۱۳۷۹، ۰۵/۲۵

هرگونه توسعه‌ی رابطه، یک مقدار گشایشی برای انسان در بخشی به وجود می‌آورد؛ منتها باید دید به چه بهایی. یک دیپلماسی قوی و کامل و کارآمد و مسلط بر خود و غیرمنفعل، دیپلماسی‌ای است که می‌نشیند محاسبه می‌کند؛ می‌گوید در مقابل این گشایش که برای من خواهد شد، من چه بهایی باید بپردازم؛ و آن گشایش را مشخص کند که چقدر گشایش است. ۱۳۷۹، ۰۵/۲۵

استقلال، ایستادگی و تسلیم در مذاکرات سیاسی

در مذاکرات سیاسی، همیشه این مبنای استقلال - استقلال رأی جمهوری اسلامی - و ایستادگی و تسلیم نبودن در مقابل تحمیلها را در نظر داشته باشید؛ در سطوح مختلف، از بالا تا پایین. این به معنی بداخلاقی نیست، که آدم در مذاکرات دیپلماسی بداخلاقی کند، بد کند، رد کند؛ نه. این تجربه‌ی ماست. ۱۳۷۹/۰۵/۲۵

ایستادگی بر مسائل اصولی در مذاکرات

توجه داشته باشید، آن چیزی که به شما به عنوان یک سفیر، به شما به عنوان یک مدیر، به شما به عنوان یک معاون، در نظر آن طرف مذاکره کننده اعتبار می‌بخشد، این است که ببینند شما دارای حرفی هستید و پای آن حرفتان ایستاده‌اید و به آن حرفتان اعتقاد دارید. مذاکره در زمینه‌ی مسائل اصولی نیست؛ مذاکره در زمینه‌ی مسائل فرعی است؛ یعنی مسائل عملی و کاری و امثال اینهاست. ۱۳۷۹/۰۵/۲۵

نقش آفرینی برای اسلام

نقش اسلام را در دنیا هرچه می‌توانید، پُررنگتر کنید. بگردید با ابتکار، ببینید کجاها می‌توان برای اسلام نقش آفرینی کرد؛ نه فقط برای ایران اسلامی، بلکه برای اسلام. ۱۳۷۹/۰۵/۲۵

مجموعه سازی در سیاست خارجی

یکی از کارهای اساسی برای ما مجموعه‌سازی است. کار سختی هم هست؛ لیکن بسیار کار موفقی است. ایجاد مجموعه‌های متناسب به بهانه‌های گوناگون؛ از قبیل اکو - که یک مجموعه‌ی اقتصادی است - و از این قبیل چند تای دیگر هم به وجود آمده بود. ما دوگونه مجموعه‌سازی می‌توانیم بکنیم: یکی در بخش کشورهای اسلامی؛ به بهانه‌های مختلف: فرضاً کشورهای فارسی‌زبان، کشورهای

منطقه‌ی مرکزی آسیای میانه، کشورهای حوزه‌ی دریای خزر؛ یکی هم با کشورهای برجسته‌ی آسیا که نقش‌آفرینند؛ مثل چین، مثل روسیه، مثل هند و مثل خود ما که ما نقش‌آفرینیم. هیچ کشور دیگری این نقش‌آفرینی را ندارد؛ حتی اندونزی و مالزی که کشورهای پیشرفته‌ی اقتصادی هستند. این نقش‌آفرینی مال این کشورهاست. ما می‌توانیم تلاش کنیم؛ مجموعه‌سازی بایستی صورت گیرد. ۱۳۷۹/۰۵/۲۵

تغییر اولویتهای بر اساس منافع ملی

تعیین اولویتهای بر اساس منافع ملی باید نوبت به نوبت عوض شود. اولویتهایی که ما اول انقلاب برای ارتباطات خود معین می‌کردیم، بر اساس منافع ملی ما در آن روز بود؛ ممکن است امروز منافع ملی ما چیز دیگری را ایجاب کند. ما نباید دست و پای خود را در پوست گردو بگذاریم و بگوییم یک وقت مثلاً ما گفته‌ایم ارتباط با آفریقا جزو اولویتهای منطبق بر منافع ملی بوده، امروز هم حتماً روی آن پافشاری کنیم؛ نه، این قابل تجدید نظر و بررسی است. اولویتهای سیاست خارجی و رابطه‌ی دیپلماتیک را باید در هر برهه‌ای از زمان بر اساس منافع ملی تعریف کرد؛ البته در چارچوب همان نظام ارزشی، نه بیرون از آن. ۱۳۸۱/۰۵/۲۷

استفاده از ظرفیتهای جهان اسلام

یکی دیگر از مبانی اساسی سیاست خارجی ما، تلاش برای استفاده از ظرفیتهای جهان اسلام است. یکی از راهکارهای استفاده از ظرفیت بالای جهان اسلام، این است که ما دنیای اسلام را به اتحاد ممکن اسلامی - همان مقدار که ممکن است - دعوت کنیم. ۱۳۸۱/۰۵/۲۷

سرعت عمل در مسائل جهانی

سرعت عمل، بسیار مهم است. در مسائل جهانی هر تصمیمی گرفته

می‌شود، باید با سرعت عمل باشد. توقّف، تردید و درنگ بی‌دلیل به‌هیچ‌وجه جایز نیست. ۱۳۸۲/۰۵/۲۷

دفاع از هویت نظام و وظیفه دیپلمات‌ها

وظیفه‌ی دیپلمات‌ها در درجه‌ی اوّل، دفاع از هویت نظام اسلامی است. در برخورد با نگرشهای مخالف با هویت جمهوری اسلامی، دچار انفعال نشوید. ۱۳۸۲/۰۵/۲۷

پایداری بر اصول و ارزشها و تسلیم نشدن در برابر قواعد بین‌الملل

هیچ افتخاری برای ما نیست که تسلیم قواعد و عرف و ارزشها و اصول بین‌المللی شویم؛ نه. ما اصول و ارزشهایی داریم و قواعدی وضع می‌کنیم. ما بنای تقابل و ستیزه‌گری با دنیا را نداریم؛ اما می‌دانیم بخشی از دنیا - نمی‌شود گفت همه‌ی دنیا - برخی از اصول ما را قبول ندارد. ما نمی‌توانیم از اصول خود عقب‌نشینی کنیم، برای این‌که این بخش از دنیا را - که امروز تجسّم آن در غرب و دولتهای غربی و بخصوص تجسّم عمده‌اش در دولت متکبّر امریکاست - از خودمان راضی کنیم؛ نه. جمهوری اسلامی با همین وضعیت به‌وجود آمده، با همین وضعیت رشد کرده و با همین وضعیت در دنیا اثرگذاری کرده است. ۱۳۸۲/۰۵/۲۷

در جهت ارزشها و اصول بودن منافع ملی ما

گاهی حرفی هم در بعضی از زبانها تکرار می‌شود که ما در سیاست خارجی و فعالیتهای دیپلماتیک باید مسائل ارزشی و معنوی را دخالت ندهیم؛ باید فقط به منافع ملی فکر کنیم و بس. البته شکی نیست که منافع ملی خودش یک ارزش و یک امر معنوی است. منافع ملی غیر از منفعت جیب شخصی زید و عمرو است. حفاظت از منافع ملی، یک امر معنوی است. بنابراین در رعایت منافع ملی هیچ تردیدی نیست و ما به‌جد این را تأیید می‌کنیم که باید منافع ملی مورد نظر باشد؛ اما این‌که

تصور شود اگر ما از مسائل ارزشی صرف‌نظر کردیم، به منافع ملی می‌رسیم و اگر به ارزشهای خودمان مستمسک شدیم و پایبند ماندیم، منافع ملی را از دست می‌دهیم، خطای بسیار بزرگی است. منافع ملی ما در جهت ارزشها و اصول ماست. اصول ما منبع منافع ملی ماست. سربلندی ما به خاطر اسلام است. عزت ما به خاطر انقلاب است.
۱۳۸۲/۰۵/۲۷

توقف چرخه‌ی سوخت هسته‌ای؛ درخواست نابحق و ظالمانه

نظر فقهی من، مخالفت با به‌کارگیری سلاحهای کشتار جمعی است. ما به صورت فقهی اصلاً با این قضیه مخالفیم و آن را حرام می‌دانیم؛ بنابراین ما اهل سلاح کشتار جمعی و سلاح اتمی نیستیم و دنبال آن هم نمی‌رویم؛ لیکن این فناوری را هم از دست نمی‌دهیم. این فناوری، چیز بسیار مهمی است؛ حق و دستاورد ملت ماست. امریکاییها صریحاً گفتند، بعضی از اروپایی‌ها هم مطرح کردند که ایران باید چرخه‌ی سوخت هسته‌ای را متوقف کند! نه؛ این یک درخواست بیجا و نابحق و ظالمانه است و به‌هیچ‌وجه ما زیر بار این نمی‌رویم. ۱۳۸۲/۰۵/۲۷

استقرار مخالفت با سلطه‌پذیری در سطوح دولتها و ملتها

ما با نظام ارباب - رعیتی در سطح جهان مخالفیم؛ ما با نظام سلطه مخالفیم. اساس سیاست خارجی ما این است که ما این ایده‌ی مخالفت با سلطه‌گری و سلطه‌پذیری را، به‌عنوان یک ستون مستحکم، در فضای سیاست بین‌المللی در سطح دولتها و ملتها استقرار دهیم. ۱۳۸۳/۰۵/۲۵

ظهور بیداری اسلامی در جهان

بیداری اسلامی به معنی این نیست که همه‌ی ملتها و همه‌ی آحادی که در این بیداری سهیمند، به صورت منطقی و استدلالی مبانی فکری یک نظام اسلامی را شناخته‌اند، بلکه به این معناست که احساس هویت

اسلامی در میان توده‌های مسلمان، در همه‌جا، به‌وجود آمده است.

۱۳۸۳/۰۵/۲۵

عدم استفاده‌ی جمهوری اسلامی از تروریسم

ما در دنیا از ابزارهای عملیاتی به معنای تروریسم و کارهایی از این قبیل مطلقاً استفاده نکردیم و نخواهیم کرد؛ این در برنامه‌ی ما نیست. هیچ اتفاق جدیدی هم بنا نیست در ایران بیفتد. اتفاقی که باید بیفتد، افتاده است. آن اتفاق، انقلاب بود؛ همه‌ی کارها آن‌جا شکل گرفت. این نطفه آن‌جا بسته شد و دارد روزبه‌روز رشد می‌کند و امروز یک جوان بیست و پنج ساله است که جلوی چشم دایناسورهای سیاست دنیا کار خودش را پیش می‌برد و پیش می‌رود؛ ما از این جهت مشکلی نداریم.

۱۳۸۳/۰۵/۲۵

حکمت و مصلحت؛ از اصول سیاست خارجی

در اصول سیاست خارجی بارها گفته‌ایم، حکمت یکی از اصول سه‌گانه‌ی ماست، و در کنار آن، مصلحت. ما حکیمانه و مدبرانه عمل می‌کنیم. این، مخصوص سیاست خارجی ما نیست، بلکه در همه‌ی زمینه‌هاست. اسلام ما اسلام عقلانی است. عقل کاربرد بسیار وسیعی در فهم ما، تشخیص اهداف و تشخیص ابزارهای ما داراست. ۱۳۸۳/۰۵/۲۵

افزایش اعتبار کشور؛ اعلام مواضع اسلامی در جهان

نفس اعلام مواضع اسلامی در دنیای اسلام، اعتبار ما را افزایش می‌دهد و برای ما امتیاز است و نشان‌دهنده‌ی عمق استراتژیک ما و کمک‌کننده‌ی به ماست. از این مبانی هیچ وقت کوتاه نیاید؛ در اظهارات هم هیچ وقت کوتاه نیاید. ۱۳۸۳/۰۵/۲۵

مردود بودن وارونه جلوه دادن اهداف اسلامی

در سیاست خارجی هدف، ابزار تاکتیکی و ملاحظات سیاسی در جاهایی قابل قبول است؛ اما وارونه جلوه دادن اهداف اساسی به هیچ وجه قابل قبول نیست؛ اهداف اساسی ما را باید همه به طور مشخص بدانند. یک وقت انسان لازم است آن را با صدای بلند اعلام کند، یک وقت و در موقعیتی با صدای بلند اعلام نمی کند؛ اما آن را انکار هم نباید بکند؛ باید همه بدانند که ما در این جهت و در این خط هستیم. البته یک وقت هست که لازم نیست انسان مسأله‌ی را جنجالی کند. ۱۳۸۳/۰۵/۲۵

میدان سیاست خارجی میدان تلاش طلبی

کارگزاران سیاست خارجی بر اساس کاری که بر عهده‌شان است، باید از همه ی ظرفیت و توانایی خود برای پیشبرد هدفها استفاده کنند. میدان سیاست خارجی، میدان بسیار وسیع و تلاش طلبی است. نباید این طور باشد که اگر ما در مسأله‌ی یا در منطقه‌ی از خودمان ناتوانی نشان دادیم و این ناتوانی اثر نامطلوبی برای ما به وجود آورد، آن را به حساب تفکرات و آرمانها و اصول خودمان بگذاریم؛ نه، بلکه باید آن را به حساب ناتوانی خودمان بگذاریم. ۱۳۸۳/۰۵/۲۵

لزوم حضور فعال در مجامع جهانی

ما باید در ارتباطات دوجانبه، ارتباطات منطقه‌ی و در مجامع جهانی حضور فعال داشته باشیم و نباید هیچ مجمع جهانی را که در آن عضو هستیم، دست کم بگیریم. این که ما مایوس بشویم و بگوییم فایده‌ی ندارد، گوش نمی کنند؛ غلط است. همه چیز فایده دارد؛ همه ی تلاشها فایده دارد. یک ارزن را هم که شما حساب کنید، وزنی دارد که این وزن در نقطه‌ی تعیین کننده است. باید تلاش کنیم تا مؤلفه‌های قدرت خودمان را بشناسیم و در بسیاری از مسائل جهانی، موضع اساسی جمهوری اسلامی را به عنوان یک موضع تهاجمی اتخاذ کنیم. ما در چند

مسئله می‌توانیم موضع تهاجمی داشته باشیم. ۱۳۸۳/۰۵/۲۵

موضع ما در حقوق بشر

در قضیه‌ی حقوق بشر، موضع ما موضع تدافعی نیست؛ موضع‌مان تهاجمی است. ۱۳۸۳/۰۵/۲۵

استفاده از امکانات رسانه‌ای

شما باید از همه‌ی امکانات استفاده کنید. امکانات رسانه‌یی خیلی مهم است و یقیناً کار دیپلماسی یک پایه‌ی اساسی‌اش رسانه است. تعامل مستحکمی بین شما و رسانه‌های کشور، شبکه‌های بین‌المللی‌یی که ما داریم، لازم است. به‌علاوه خودِ سفیر یک رسانه است؛ خود شما می‌توانید مواضع جمهوری اسلامی را تبیین کنید. ۱۳۸۳/۰۵/۲۵

هدف استکبار از تخریب روحیه مسئولین کشور

این تخریب روحیه‌هایی که از طرف دستگاه‌های مطبوعاتی و دستگاه‌های ارتباطی دنیای استکبار انجام می‌گیرد، بخش مهمی از آن، هدفش من و شما هستیم؛ بیش از مردم. می‌دانند که اگر مسئولین یک کشور روحیه‌هاشان ضعیف شد، متزلزل شدند، به خودشان بدبین شدند، احساس کردند که کاری نمیتوانیم بکنیم یا کاری نکردیم، نفس همین آنها را عقب خواهد راند و موجب ضعف آنها خواهد شد؛ یک ضعف تلقینی و تحمیلی. باید قوی، معتقد و مؤمن بود و رودربایستی نداشت. ۱۳۸۸/۱۲/۰۹

اهمیت حفظ ابهت انقلابی

ما در دنیا چیزی که، چیزی را که به عنوان سرمایه‌ی بزرگ خودمان می‌توانیم به حساب بیاوریم ابهت انقلابی است. اگر آن را نداشته باشیم خیلی کم داریم. آنی که موجب می‌شود در مجامع عظیم جهانی به هیأت‌های نمایندگی جمهوری اسلامی احترام بگذارند، یا در برخوردهای

جهانی، در مناسباتی که پیش می‌آید روی دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی و کل دستگاه سیاسی جمهوری اسلامی اعتنا و اعتماد و احترام قائل بشوند این جز ابهت انقلابی ما عاملی ندارد. حالا ان شاء الله که ما در واقع هم انقلابی باشیم. لکن ما هر مقداری که قوام انقلابی را در وجود خودمان افزایش بدهیم، این ابهت و این جافتادگی بیشتر خواهد شد. به همین دلیل است که شما در سطح جهان مشاهده می‌کنید که سیاست جمهوری اسلامی با یک سیاستهای بسیار پخته و جافتاده و کار آموخته مقابله می‌کند، برابری می‌کند. ۱۳۶۲/۰۷/۱۲

سیاست نه شرقی و نه غربی

سیاست نه شرقی و نه غربی، از آن بیت‌الغزلهایی است که بایستی مثل یک ترجیع‌بند مرتباً در گفته‌ها، تکرار بشود و در کارکرد نمایندگان سیاسی ما در دنیا مشخص بشود و اثبات بشود. عدم وابستگی به قدرتهای بزرگ شرق و غرب. این انگیزه‌ی سیاسی و اعتقاد سیاسی در ما در این جافتادگی سیاست خارجی ما مؤثر بوده، اگر این را ما از دست بدهیم خیلی چیزها را از دست خواهیم داد. ۱۳۶۲/۰۷/۱۲

پیروی از خط امام در سیاست خارجی

خط امام در سیاست خارجی ما عبارت است از روابط سالم و منطقی و همراه با شناسایی حرمت انقلابی این ملت - ملت ما - با همه‌ی کشورهای که ما اصولاً با آنها مخالفتی و تنازعی نداریم. به خصوص با کشورهای مسلمان، به خصوص با کشورهای جهان سوم، به خصوص با کشورهای همسایه. ۱۳۶۳/۰۵/۱۵

گرایش‌های غلط در باب سیاست خارجی

دو گرایش غلط در باب سیاست خارجی ما وجود دارد که البته هر کدام از این دو گرایش هم شعب و شاخه‌هایی دارد، اما حالا آنی که

واقعاً کلی‌اش هست این است، یک گرایش، گرایش با تعبیرات گوناگون می‌شود گفت، مثلاً محافظه‌کارانه یا مسالمت‌جویانه یا گرایش تسلیم، اینجوری بگوئیم مثلاً یکی این گرایش است، خیال می‌کنند که ما در باب سیاست خارجی‌مان بایستی از شعارهای انقلاب و از آن اصولی که اساساً به انقلاب ما جاذبه می‌دهد صرف نظر کنیم برای این‌که بتوانیم رابطه‌ی با دولت‌ها را حتماً مستحکم کنیم؛ این یک گرایش است که یک گرایش افراطی است، یک گرایش پرخاشگرانه است و می‌توانیم بگوئیم گرایش هرج و مرج، معتقد است که وزارت خارجه باید به ارتباط با دولت‌ها و وصل اقتصادی و سیاسی با دولت‌ها اصلاً فکر نکند و این یک چیزی است که وظیفه‌ی وزارت خارجه نیست. وظیفه‌ی وزارت خارجه ارتباط با نهضتها و نمی‌دانم جریانهای مخالف و مبارزه‌گران دنیا و اینهاست. هر دو گرایش به نظر ما غلط است. ما همچنانکه معتقد به ارتباط سالم و قوی و توأم با ادب دیپلماسی با همه‌ی کشورها الا آن کشورهای مورد استثناء هستیم و این را وسیله‌ای می‌دانیم برای حضور حقیقی جمهوری اسلامی در دنیا. ۱۳۶۵/۰۷/۲۷

فصل چهارم



دفاع از ملت‌ها و نهضت‌ها

سؤال شده که آیا دفاع از ملت‌ها و نهضت‌ها، با روابط با دولتها منافاتی ندارد؟ جوابش هم داده شده که نخیر، منافاتی ندارد. دیپلماسی پخته‌ی به بلوغ رسیده‌ی وجود دارد که شعارهای انقلابی را در همه جای دنیا سر دست خود می‌گیرد و از موضع عزت، با همه‌ی کشورها هم روابط صحیح و سالمی برقرار می‌کند. ۱۳۶۹/۰۵/۱

تأثیرگذار بودن جمهوری اسلامی ایران

ما کشور و ملت بزرگی هستیم. ما در نقطه‌ی مهمی از دنیا قرار داریم. ما روی ملت‌های جهان تأثیر داریم. ما ملت کنارانفاده‌یی - مثل بعضی از ملت‌ها که سرنوشت و خیر و شرشان به خودشان وابسته است و بس - نیستیم. نخیر، امروز، بودنمان و حرف و راه و شعارمان و پرچمی که به دست می‌گیریم، روی بخش عظیمی در خارج از محدوده‌ی مرزهای خودمان اثر می‌گذارد. ما این‌طوری هستیم. خیلیها دلشان می‌خواهد با چنین کشوری ارتباط داشته باشند. خیلیها به مصلحتشان است که با چنین کشوری خوب باشند. ارتباط داشتن با برخی یا بسیاری از کشورها، هیچ هم مستلزم این نیست که از شعارهای انقلابمان برگردیم.

۱۳۶۹/۰۵/۱

فصل پنجم



پرهیز از ضعف و نرمش در مقابل استکبار

مبادا در صحنه‌ی مأموریت، مأموری احساس کند که با نشان دادن ضعف و همراهی کردن برخلاف عقیده با آن چیزی که دشمن می‌خواهد و تکرار کردن حرف او - چه در مواجهه با خود آن دشمن و چه در نقطه‌ی دیگری - خواهد توانست مهربانی دشمن را جلب کند. آنچه که امروز سیاستهای استکباری و سیاست شناخته شده‌ی امریکا علیه جمهوری اسلامی بر روی آن تکیه دارند، درست آن نقاط قوت ماست؛ یعنی آن چیزهایی است که نقاط قوت نظام ما و نظام دیپلماسی ماست. آنها روی این موارد تکیه دارند و می‌خواهند اینها را ضعیف کنند و از دست نظام خارج نمایند. لذا به هیچ وجه نمی‌شود با آنها کنار آمد و نرمش نشان داد. ۱۳۷۸/۰۵/۲۵

تبدیل شدن تهدیدها از مهارت دیپلماسی به فرصت‌ها

اگر مهارت دیپلماتیک به کار گرفته شود، بسیاری از تهدیدها می‌تواند به فرصتها تبدیل گردد. نه فقط تهدید، تحقق پیدا نکند، بلکه حتی همان چیزی که نقطه‌ی اساسی تهدید محسوب می‌شود، درست صد و هشتاد درجه عکس، به نقطه‌ی فرصت تبدیل شود؛ ۱۳۷۹/۰۵/۲۵

تعیین کننده بودن تهدیدات در جهت گیری‌های سیاست خارجی

این سؤال باید مطرح شود: جهت کلی سیاست خارجی برای نظام جمهوری اسلامی چیست؟ ما باید ببینیم بزرگترین تهدید از چه ناحیه است. از هر طرفی که تهدید بزرگتری بود، این برای جهت‌گیری سیاست خارجی تعیین کننده است. یعنی بلاشک یکی از عوامل تعیین کننده این است. تا بتوانیم در مقابله‌ی با آن تهدید عمل کنیم. ۱۳۷۹/۰۵/۲۵

لزوم جلوگیری از تحقیر شدن در مذاکرات

مسئله‌ی اسلامیت، مسئله‌ی استقلال، مسئله‌ی یگانه بودن نوع نظام سیاسی، مسئله‌ی این نظام سیاسی نوین - یعنی همان مردم‌سالاری دینی - موفق بوده است و ما هیچ مشکلی در داخل کشور از این ناحیه نداشته‌ایم. مسئله‌ی عمق استراتژیکی که شما در دنیا دارید؛ از مواردی است که باید همیشه در نظرتان باشد. مذاکرات را براساس اینها عمل کنید؛ چون یکی از روشهای مذاکره‌ی دیپلماتیک این است که طرف مقابل را بترسانند، تهدید کنند، تحقیر کنند؛ که غالباً در مذاکراتی که اروپاییها با بعضی از مسئولان ما می‌کردند، بنده در گزارشهایی که می‌خواندم، مشهود بود؛ این قدر فشار روانی می‌آوردند که آن طرف احساس کند که اصلاً پا در هواست! «آقا! همه‌ی دنیا علیه شمایند؛ فلان روز، فلان کشور علیه شما حرف زده؛ امریکا علیه شما چنین کرده؛ در فلان کنفرانس همه علیه شما موضع گرفتند.»! این یک روش است. لزوماً راست نیست و اگر راست باشد، مهم نیست. این برای این است که شما احساس کنید پا در هوا هستید. نقطه‌ی مقابلش این است که شما احساس کنید که کاملاً مستحکم، متکی به یک نظام، متکی به کوه باعظمت نظام اسلامی هستید. ۱۳۷۹/۰۵/۲۵

جدی گرفتن تهدیدات

تهدید را کاملاً جدی بگیرید؛ یعنی به هیچ وجه در محاسبات خودتان از جدیت تهدید پایین نیایید. منتها تهدید جدی، معنایش تهدید حتمی نیست؛ هیچ حتمیتی وجود ندارد. ممکن است رفتار ما آن را تشدید و تسریع و طرف را تشویق کند و نیز ممکن است بعکس، آن را تأخیر بیندازد و یا به کلی منتفی کند. اما در جدی بودنش تردید نباید کرد. ۱۳۸۱/۰۵/۲۷

ذلت و مرگ ملت در صورت پذیرش رابطه‌ی استکباری آمریکا

بنده معتقدم آن روزی که ایران بگوید خیلی خوب، آقای امریکا ما حاضریم با شما رابطه برقرار کنیم؛ آن همان روزی است که امریکا بگوید نه، متأسفانه نمی‌شود؛ شما بایستی این کارها را بکنید، این شرطها را عمل کنید تا ببینیم چه می‌شود. یعنی بعد از آن که شما یک بار خودتان را شکستید و رابطه را قبول کردید، آن وقت دست می‌گذارند پشت گردنتان، صورتتان را هم توی خاک می‌مالد، خوب نابودتان می‌کند، بعد رهایتان می‌سازد، رابطه هم برقرار نمی‌شود! در آن شرایط، رابطه برای هر ملتی که چنین رابطه‌ای را قبول کند، مرگ است. هیچ‌کس حق ندارد مرگ این ملت را، ذلت این ملت را قبول کند، هر که می‌خواهد باشد؛ من هم حق ندارم، مسئولین دیگر هم حق ندارند، وزارت خارجه هم حق ندارد. مسأله این است. ۱۳۸۱/۰۵/۲۷

احساسی برخورد نکردن

اگر چنانچه در برخوردهای سیاسی، ما با عکس‌العمل سریع و تند و احساسی برخورد بکنیم، این بی‌گمان در تصمیم‌گیری‌های وزارت خارجه اثر خواهد گذاشت. ۱۳۶۳/۰۵/۰۸

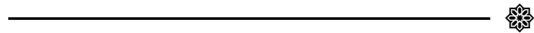
آسیب‌پذیری در صورت عدم تعمیق جبهه‌ی سیاسی در جهان اسلام و منطقه

ما با ارتباط با کشورهای این منطقه، منطقه‌ی عربی و اسلامی، خودمان را در مقابل ضربات جهانی مصونیت می‌توانیم ببخشیم. شکی نیست که ضربات جهانی به طرف ما همچنان پرتاب خواهد شد، اگر فکر کنیم ما یک دو سال دیگر، پنج سال دیگر، پانزده سال دیگر، به وضعی خواهیم رسید که دیگر علیه ما توطئه‌ای در دنیا نخواهد شد و استکبار جهانی علیه چیزی به نام انقلاب اسلامی با همان هویت در حقیقت انقلابی معارضه نخواهد داشت این حرف تصور ساده‌لوحانه‌ای

است یعنی انقلاب اسلامی تا وقتی انقلاب اسلامی است. دشمنان جهانی را تا وقتی که آنها هم دارای این هویت‌اند خواهد داشت بلاشک. بنابراین منتظر پرتاب شدن ضربات و لطمات آنها ما بایستی حالا حالاها باشیم و هستیم. چی به ما مصونیت می‌بخشد؟ تنها اگر باشیم آسیب‌پذیریم، ما یک عمق جبهه‌ی سیاسی لازم داریم، عمق جبهه‌ی سیاسی ما ملتها هستند. ما اگر چنانچه با کشورهای این مناطق ارتباط داشته باشیم جبهه‌ی سیاسی ما عمیق و آسیب‌ناپذیر خواهد شد.

۱۳۶۳/۱۱/۳۰

فصل ششم



ظواهر اسلامی؛ از ویژگی‌های یک سفیر

سفرای ما در نمایندگی‌های خارجی، بر حفظ صددرصد تقیدات و ظواهر اسلامی نسبت به خود و خانواده‌ها و همکارانشان مراقبت کنند و این مسأله را در گزینشها رعایت نمایند. به‌هیچ‌وجه در این مسأله انعطاف و نرمش نشان ندهید که قوام شخصیت شما و شخصیت دیپلماسی ما، به این است. ۱۳۶۸/۰۵/۳۱

ویژگی‌های یک سفیر

سفیر ما در یک کشور، باید انسانی مستغنی و متدین و آزاد و بدون شایبه‌ی مبتلابه دیگر سفرا و همکاران شما در محل مأموریت باشد ۱۳۶۸/۰۵/۳۱

محیط تدین قرار دادن محیط سفارت

محیط سفارت، باید محیط تدین باشد. این تعبیرات غیر متدین را کنار بگذارید که بچه‌ها، بچه‌های متعهد و خوبی هستند. متعهد، انقلابی، مبارز، در جای خود محفوظ؛ اما متدین باید باشند. متدین، یعنی آن کسی که سعیش بر این است که گناه نکند؛ سعیش بر این است که وظایف شرعی را با دقت و موبه‌مو انجام بدهد؛ زن یک‌طور، مرد یک‌طور. این، متدین است؛ یعنی ملاحظه‌کننده‌ی جمیع وظایف شرعی رساله‌ی. ۱۳۶۹/۰۵/۱

اسلامی بودن محیط سفارت

باید در محیط سفارت رعایت کنید؛ یعنی سفارت باید یک محیط کاملاً اسلامی، مثل محیط داخل ایران و محیطهای تدین باشد که هر کس

به آن‌جا وارد می‌شود، باید آن‌قدر از نماز و نیاز و دعا و ذکر و صدق و خوش اخلاقی و محبت و احترام و همکاری و کار راه‌اندازی و خوب کار کردن و پُر کار کردن و صمیمانه کار کردن و با چهره‌ی بشاش کار کردن و با مردم و مراجعان - بخصوص با محتاجان از مراجعان - منصفانه برخورد کردن و عادلانه برخورد کردن و مسائل شخصی را مطرح نکردن و دچار هیچ نوع - خدای نکرده - طمع مادی و پولی نشدن ببیند، که باور کند شما مسلمانید. ۱۳۶۹/۰۵/۱

وظیفه سفر: انتقال فرهنگ جمهوری اسلامی

«وظیفه‌ی سفرای ما در کشورهای محل خدمتشان، فقط کار دیپلماسی به معنای مصطلح نیست، که ارتباطات سیاسی کشور خودشان را با دولتهای دیگر برقرار کنند. بلکه کار انتقال فرهنگ جمهوری اسلامی را هم بر عهده دارند.»

شما با همان دستگاه دولتی هم که مواجهید، جا دارد به اقتضای موقع، وسیله و رسانه‌ای برای انتقال ارزشهای حاکم بر نظام جمهوری اسلامی باشید.» ۱۳۷۳/۰۵/۰۱

مجاهدت در عمل

این نکته‌ی «مجاهدت در عمل و در تمام طول عمل» را هرگز فراموش نکنید و سعی کنید این روحیه را در خود، خانواده‌ها، نزدیکان، همکاران و زیر دستهایتان در محیط سفارتخانه‌ها بدمید؛ زیرا شما را هدایت و موفق و حفظ خواهد کرد و پیش خواهد برد. البته دقت و ظرافت و نزاکت دیپلماسی هم به جای خود محفوظ است. سعی کنید کارهایتان بر اساس همان اصولی باشد که همیشه ذکر شده است. ۱۳۷۴/۰۵/۰۲

توصیه اخلاقی

باید این ایمان و اعتقاد خالص و ناب و این گوهر ارزشمند را که در شماسست، حفظ کنید. باید دو دستی نگهش دارید. من قبلاً در یکی از صحبتها به برادران گفتم: شما مواظب باشید، هر روز قرآن بخوانید، نافله بخوانید، نمازها را با توجه بخوانید. اگر این کارها انجام گیرد، البته مصونیت زیادی خواهد داد. اگر انجام نگیرد، واقعاً در خطریم. همه در خطرند، ما هم در خطریم. همه باید مواظب خودشان باشند. «علیکم انفسکم». به فکر خودتان باشید. همه ی این تفصیل و همه ی حضور انبیا و اولیا، برای رستگاری جان خود است؛ چون در قیامت «یوم یفر المرء من اخیه» است. در آنجا کسی به فکر کسی نیست. این را بدانید. «یوم یفر المرء من اخیه و امه و ایبه و صاحبته و بنیه». همه از هم می‌گریزند. «لکل امرء منهم یومئذ شأن یغنیه». هر کسی در آنجا آن قدر کار دارد که به فکر دیگری نیفتد. باید به فکر آنجا بود. اگر در اینجا مجاهدت و تلاش و ایثار می‌کنیم، اگر به مأموریت می‌رویم، اگر برای خدا کار می‌کنیم، برای این است که آنجا را درست کنیم. به فکر باشیم.

۱۶/۰۵/۱۳۷۵

لزوم برخورد مهربانانه سفیر جمهوری اسلامی

ما به عنوان «سفیر جمهوری اسلامی» دشواری دیگری هم داریم که شاید بسیاری از سفرا آن را ندارند - البته شاید بعضیها هم دارند - و آن این است که ما ضمن این که خودمان را در میان آن دولت میزبان سفیر می‌دانیم، در میان آن ملت میزبان هم سفیر می‌دانیم و رفتارها و باورهای آن دولت میزبان، لزوماً با رفتارها و باورها و انگیزه‌ها و تصمیمهای ملتش یکسان نیست. شما ضمن این که این طور رفتاری را که توصیف کردیم، با آن دولت دارید، احیاناً مجبورید نسبت به ملت آن کشوری که در آنجا زندگی می‌کنید، رفتار حقیقتاً مهربانانه و دوستانه و با صفایی داشته باشید. سفرای خیلی از کشورها این مشکل را ندارند؛ چون با

ملتهای کشور میزبان کاری ندارند؛ کارشان با دولتهاست. بنابراین، کار سفارت شما، با این عوامل متضاد که بر آن حاکم است، کار بسیار ظریف و حساس و دشواری است. مجبورید در لابلای این عوامل، رفتاری را انتخاب کنید که منافع دولت و نظام شما را صددرصد با خودش همراه داشته باشد؛ لذاست که کار بسیار مهم و مشکلی است. ۱۳۷۸/۰۵/۲۵

حرکت کردن روی هدفها، تکیه کردن و اعتماد به نفس

ما به عنوان سفیر، اولاً هدفهایمان را فراموش نکنیم؛ ثانیاً امکاناتی را که می توانیم بر آنها تکیه کنیم، هرگز از یاد نبریم؛ ثالثاً با اعتماد به نفس، به نحو کامل حرکت کنیم. ۱۳۷۸/۰۵/۲۵

اهمیت اطلاع از مسائل داخل کشور

اگر شما از قضایای داخلی بی اطلاع باشید و به قضایای داخل متصل نباشید، آنجا یک امتیاز به طرف مقابل خودتان خواهید داد. ولو حالا بعداً بفهمید و بخواهید آن را جبران کنید؛ ولی آن لحظه ی مهم را از دست داده اید. می دانید که در مذاکرات سیاسی، «لحظه» مهم است. اگر شما بی اطلاع باشید، «لحظه» را از دست داده اید و در مذاکره عقب مانده هستید و طرف مقابل پیشرفت کرده است. این یک برتری برای او در گفتگوهایش با شماست که آثار فراوانی هم دارد. بنابراین، باید اعتماد به نفس داشته باشید؛ از مسائل داخلی مطلع باشید و اهداف را در نظر بگیرید. ۱۳۷۸/۰۵/۲۵

با اعتماد به نفس حرکت کردن

در نقطه ی مأموریتتان، اولاً با اعتماد به نفس کامل حرکت و عمل کنید. پشت سر شما نظامی مقتدر، مردمی و بسیار مستحکم قرار دارد. استحکامش هم به سحر و جادو و توهمات و تخیلات نیست؛ استحکامش به همان چیزی است که امروز استحکام هر نظامی به آن است؛ یعنی پشتوانه ی آراء مردم، پشتوانه ی اراده ی عمومی. این اراده

دنبال چیست؟ دنبال ایمان. این اراده، یک اراده‌ی سیاسی نیست.
۱۳۷۸/۰۵/۲۵

توصیه به خانواده‌های دیپلمات‌ها

کوشش کنید همسرانتان و خانواده‌هایتان را در جریان مسائل سیاسی مهمی که برای شما مهم است، قرار دهید تا آنها در فضای کشور کاملاً قرار بگیرند. آن روح ایمانی ماندگار و مصونیت‌بخش را در فرزندانتان تقویت کنید. بخصوص تأکید می‌کنم که مدارس ایرانی را برای فرزندانتان حتماً تشکیل دهید. همه جا احتیاج دارید به مدارس ایرانی. ولو پُر خرج هم باشد، باید تشکیل شود. هم وزارت آموزش و پرورش باید کمک کند، هم خود وزارت خارجه باید کمک کند، هم خود شما سفرا.

بچه‌هایتان را ایرانی و مسلمان بار بیاورید. صرف این که فلان کالج و مدرسه‌ی خارجی، فرنگی و محلی، زبان یاد می‌دهد، فلان آموزش را می‌دهد، اینها هیچکدام نمی‌تواند و نباید مشوق برای این باشد که ما برویم بچه‌مان را دست آنها بدهیم. زبان را هم خودتان یادشان بدهید. اصلاً محیط، زبان درست می‌کند. زبان چندان احتیاج به مدرسه رفتن ندارد. در پارک هم که بروند با بچه‌ها بازی کنند، زبان یاد می‌گیرند. به ورزشگاه هم بروند ورزش کنند، زبان یاد می‌گیرند. خود محیط زندگی انسان زبان را به انسان تلقین می‌کند. بنابراین من روی مدرسه‌ها اصرار دارم. ۱۳۷۹/۰۵/۲۵

پیوند خود و خانواده‌تان را با مبانی اعتقادی و دینی زیاد کنید. اگر خانواده در آنجا با شمایند، یک طور باید عمل کنید؛ اگر خانواده اینجا هستند و از شما دورند، طور دیگری باید عمل کنید. در هر دو صورت، به فکر تقویت مبانی اعتقادی و دینی و عملی خود و خانواده باشید و این را جزو برنامه بگذارید. جوان پاک و نورانی که پسر یا دختر

شماست، امانتی در دست شماست. هر انسانی از محیط پیرامون خود تأثیرپذیری دارد. می‌توان او را به یک عنصر فعال پُرنشاط در جهت گرایش به مبانی اعتقادی و عمل به آنها تبدیل کرد؛ می‌توان او را رها کرد تا هر رهگذری بتواند فکر غلط یا اخلاق نکوهیده یا رفتار بدی را به او تزریق کند، بدون این‌که حتی او بفهمد؛ لذا برنامه‌ریزی کنید.

۱۳۸۱/۰۵/۲۷

پرهیز از کشاندن مسائل جناحی کشور به بیرون از مرزها

یک نکته‌ی دیگر هم باز به سفرها و به مسؤولان سفارتخانه‌ها عرض می‌کنم: این مسائل جناحی داخل کشور را به بیرون نکشانید. یکی از غلطترین کارها این است. در داخل بالاخره جناحها با هم دعوا دارند، بحث دارند، حرف دارند. این آن را به چیزی متهم می‌کند، آن این را به یک چیز دیگر متهم می‌کند؛ بین خود اینهاست. اما این‌که شما بروید آن‌جا در جمع ایرانیها شروع کنید که بله، فلان جناح این‌طوری است، فلان جناح آن‌طوری است؛ یا در جاهایی که خارجیا با شما مواجه می‌شوند، بنا کنید یک جناح را تأیید کردن، یک جناح را رد کردن؛ بله، فلان کس طرز فکرش این است، اما فلان کس طرز فکرش این است که آن را قبول ندارد؛ این کار درست نیست. اینها اسرار شماست؛ اسرار خانوادگی شماست؛ اینها را بیرون نبرید. از این غلطتر آن است که اینها در مذاکرات سیاسی منعکس شود که بعضی افراد بنشینند با مأمور وزارت خارجه‌ی طرف مقابل، بنا کنند به صحبت که: بله، شما اگر با فلان نقطه رابطه برقرار کنید، این قدر مثلاً حُسن دارد؛ این جناح مثلاً چنین است، آن جناح دیگر چنین است. اصلاً این بحثها را مطرح نکنید. اینها اولین اثری که دارد، خود گوینده را در چشم طرف مقابل سبک خواهد کرد. اثر بعدیش این است که آن مجموعه‌ی پشت سر او را - یعنی وزارت خارجه را، دولت را، نظام را - سبک می‌کند. طرح این گونه حرفها چه لزومی دارد؟ بین خودتان باشد. اگر دعوا هم کردید، اگر سر و

صورتتان هم خونی شد، وقتی خواستید بیرون بروید، خونها را پاک کنید، همدیگر را بوسید، بیرون بروید. بعد که داخل خانه برگشتید، باز بیفتید به جان هم! اما جلو بیگانه اصلاً نگذارید این حرفها مطرح شود.
۱۳۷۹/۰۵/۲۵

اعتماد به نفس ملی و شجاعت در رفتارها

در زمینه‌ی پایبندیهای اصولی و عملی در رفتار دیپلماتیک عرض کنم، اعتماد به نفس ملی و شجاعت در بیان مبانی و سیاستهاست.
۱۳۸۱/۰۵/۲۷

تحرک و اثرگذاری در محیط از وظایف سفرا

سفیر باید دو جهت را به شدت رعایت کند. اول، تحرک است. نشستن در سفارتخانه و فقط پاسخ تلگرافها یا گزارشها را دادن، کار سفیر نیست؛ سفیر باید در کشور محل توقف، حداکثر تحرک را از خود نشان دهد. جهت دوم، اثرگذاری در محیط است. سفیر ما باید بتواند مواضع، نظرات و عقاید جمهوری اسلامی را به شکل استدلالی در محیط کار و محل توقف خود جا بیندازد. این کار حتی در دشوارترین کشورها ممکن است؛ تجربه این را به ما نشان می‌دهد. سفیری که می‌تواند عناصر مساعد اثرگذار را در کشور محل توقف خودش پیدا کند، با آنها ارتباط برقرار و به‌طور استدلالی صحبت کند، سفیر موفقی است. نه این‌که نظرات آنها منعکس نشود؛ چرا، حتماً باید نظرات طرف مقابل به کشور منعکس شود - این چیزی است که ما از همه‌ی سفرا توقع داریم - اما انتظار داریم سفیر منفعل و متأثر نشود. سفیر باید با پشتوانه‌ی اعتقاد و ایمان و تحلیل درست و اطلاع خود از مسائل، در فضای سیاسی و اقتصادی آن محیط اثر بگذارد و این کاری است ممکن و مورد توقع جدی. ۱۳۸۲/۰۵/۲۷

ما محاسن می‌گذاریم، چون این را لازم می‌دانیم؛ کراوات نمیزنیم،

چون این را برای ما تحریم کرده‌اند؛ در جلسه‌ی صرف مشروبات الکلی شرکت نمیکنیم، چون این حرام است؛ با زن نامحرم دست نمیدهیم، چون حرام است؛ این را صریحاً می‌گوئیم. منطق ما این است، استدلال ما این است. با این کارها احترام شما بالا می‌رود. خطاست اگر خیال کنیم که چنانچه ما تسلیم شدیم و در مقابل روش آنها یا در مقابل فکر آنها حل شدیم، هضم شدیم، در دل آنها جا خواهیم گرفت؛ نه، این فکر غلط متأسفانه در یک برهه‌ای در این سالها برای بعضی‌ها پیدا شد که ما برای اینکه به غربی‌ها نزدیک شویم و مثلاً انقلابمان را در چشم آنها رسمی کنیم، مفاهیم مورد نظر آنها را تکرار کنیم. شما می‌دیدید مسئولین کشور، مسئولین سیاسی کشور، همان مفاهیمی را در زبانشان تکرار می‌کردند که غربی‌ها دویست سال است اینها را می‌گویند؛ برای آنها تازگی ندارد. ما حرف خودمان را باید بزنیم. حرف ما حرف نوئی است در دنیا.

۱۳۸۷/۱۲/۰۹

ارتباط تنگاتنگ دیپلمات‌ها با مسئولان کشور میزبان

یک نکته‌ی دیگر که به نظر من خیلی مهم است - که البته بعضی از سفرای ما خوشبختانه اینجوری هستند - ارتباط تنگاتنگ با مسئولان کشور میزبان است. از پشت میز نمیشود کار دیپلماسی کرد. انسان توی سفارتخانه بنشیند و خیال کند با نامه‌نگاری و با بعضی از تماسها دارد کارش را انجام می‌دهد؛ نه، بایستی با مسئولان مؤثر آن کشورها، بعضی شخصیت‌های برجسته‌ی آن کشورها، بعضی روشنفکران در کشورهای میزبان، ارتباطات تنگاتنگی ایجاد کرد. همچنین در کشورهایی که هم‌میهنان ما آنجا هستند، یکی از کارهای لازم و مهم، ارتباط با اینهاست. بنابراین باید ارتباط داشته باشید؛ ارتباط اثرگذار، نه ارتباط اثرپذیر. اثر بگذارید، و یک سفیر می‌تواند در آنها اثر بگذارد. ۱۳۸۷/۱۲/۰۹

برخورداری از تحلیل رفتار کشورهای طرف رابطه

یک کشوری است که ما در یک شرائطی احتیاج مبرمی داریم به اینکه با او روابطمان را گرم کنیم؛ ناگهان می‌بینیم چهار تا، پنج تا پدیده ظاهر شد؛ یک حرفی او گفت، یک حرفی ما گفتیم، یک حرفی سومی گفت؛ روابط با آن کشور دارد یواش یواش سرد می‌شود. خوب، علتش چیست؟ بهترین کسی که می‌تواند این را تحلیل کند، سفیر ما در آن کشور است. ۱۳۸۷/۱۲/۰۹

خانواده دیپلمات‌ها

گاهی اوقات خدای نکرده اختلالی در یک عضوی یا در اعضائی از خانواده به وجود می‌آید، تأثیر می‌گذارد در کل دیپلماسی ما؛ از طریق خانواده روی سفیر اثر می‌گذارد، از سفیر روی دیگران اثر می‌گذارد. باید مراقب خانواده‌ها بود. همچنان که خود سفیر عملش نمایشگر هویت جمهوری اسلامی در چشم بینندگان است، خانواده‌اش هم باید همین جور باشند. فقط زبان که نیست؛ عمل ما را باید ببینند. اگر چنانچه سفیر جمهوری اسلامی توی یک کشور، خدای نکرده سرگرم و مبتلا بشود به یک مشکلی - یک مشکل اخلاقی، یک مشکل اقتصادی و مالی و غیره - هر چه هم ما اینجا مبارزه‌ی با فساد را ادعا کنیم، به ما می‌خندند. ۱۳۸۷/۱۲/۰۹

تأکید نمایندگی سیاسی کشور بر مواضع سیاسی

نمایندگی سیاسی ما در رابطه با وزارت خارجه بایستی مؤکداً بر مواضع سیاسی ما در این مورد تأکید کند و تکیه کند. آن حرفی را که دولت در این جا دارد بیان می‌کند و وزارت خارجه دارد بیان می‌کند به مسئولین دولتی، این را نماینده‌ی ما در آن جا به آن جاهائی که باید برساند، برساند؛ تأکید بکند. ۱۳۶۰/۱۲/۱۹

سفرای جمهوری اسلامی؛ دیده بانان نظام در جهان

به عنوان یک دیده بان شما باید آن جا عمل کنید که از نزدیک تحرکات دشمن را نه کشور میزبان را، ممکن است آن دشمن کشور میزبان باشد، ممکن است کسی دیگر باشد، کاملاً ببینید، ببینید چکار دارد می شود این جا. این رفت و آمدها چیه، این مسائلی که دارد اتفاق می افتد چیه، این گفت و گوها چیه، این قرارداد چیه بود. این اظهار فلان روزنامه از کجا ناشی می شود، اظهار فلان وزیر یا معاون وزیر یا فلان سفیری که در فلان کشور دارند راجع به فلان مسأله‌ی مورد علاقه‌ی ما، این آیا مجرد بود، به جایی متصل بود، یعنی یک بررسی اطلاعاتی سیاسی قوی با قدرت حدس بالا که بتواند به ما منتقل کند قضیه را ما خودمان را آماده کنیم برای مقابله. ۱۳۶۵/۰۷/۲۷

شاخص‌ها



□ دیپلماسی، یک جنگ است. شما این را به خوبی می‌دانید و آن را مثل جنگهای نظامی و برخوردهای اقتصادی که تاکتیک و عقب‌نشینی و حمله و جابه‌جایی و فریب جنگی دارد، لمس کرده‌اید.

□ اگر ما برای جامعه‌ی انقلابی و اسلامی، به دیپلماسی انقلابی و اسلامی قایل هستیم، باید در درجه‌ی اول جهت‌گیری اسلامی حفظ شود.

□ گستاخی و شجاعت در مقابل تهدیدهای دشمنان و قدرتهای بزرگ و نیز حاکمیت عقل و منطق بر تصمیم‌گیریها و حرکات، مورد توجه قرار بگیرد.

□ ما مواضع اسلامی و انقلابی را قاطعانه و بدون رودربایستی و مرعوب شدن و خام شدن در مقابل برخی از چهره‌های امیدبخش کاذب، حفظ کنیم.

□ به‌هیچ‌وجه انعطاف و نرمش نشان ندهید که قوام شخصیت شما و شخصیت دیپلماسی ما، به این است.

□ جایی که ما پایبندی و اعتقاد دینی قوی‌یی نشان دهیم، دشمن در ما چیزی از قدرت را احساس خواهد کرد که چون او را درست نمی‌شناسد، ابهت آن در دلش جای خواهد گرفت.

□ سیاست خارجی ما نسبت به گذشته هیچ تفاوتی نکرده و نمی‌کند.

□ برای ایجاد ارتباط سالم و دور از تکلف و تحمیل، آماده‌ایم با هر کشوری - به جز چند استثنا که دلایل خاص و واضح خودش را دارد - ارتباط داشته باشیم.

□ اصل سیاسی و زیربنای «نه شرقی، نه غربی» ما هم به‌هرحال محفوظ است.

□ ارتباط داشتن با برخی یا بسیاری از کشورها، هیچ هم مستلزم این نیست که از شعارهای انقلابمان برگردیم.

- محیط سفارت، باید محیط تدین باشد.
- شما با همان دستگاه دولتی هم که مواجهید، جا دارد به اقتضای موقع، وسیله و رسانه‌ای برای انتقال ارزشهای حاکم بر نظام جمهوری اسلامی باشید.
- روزی که جمهوری اسلامی از حرفها، ارزشها و اصول خود عدول کند، دیگر جمهوری اسلامی نیست.
- مواضع آن است که هندسه‌ی سیاسی جمهوری اسلامی را فراموش نکنیم و بدانیم کجا قرار داریم و به کدام سمت حرکت می‌کنیم. همیشه باید یک عقل دیپلماسی بر کارهای دیپلماسی ما حکومت کند.
- عقل دیپلماسی یعنی همان چیزی که بین این هدف و این مبارزه‌ی اصولی و ظرافتهای دیپلماسی که نیاز ما را برآورده خواهد کرد، جمع می‌کند.
- مواضعتان را در عرصه‌های دیپلماسی، صراحتاً بگویید؛
- روحیه‌ی اسلامی، تمسک اسلامی، توسل و تمسک به اصول اسلام و طراحي یک راه و فرهنگ و تمدن نو برای بشریت که این کشور و این انقلاب و این نظام، این کارها را انجام داده است، موجب دشمنیها با ماست.
- اگر جمهوری اسلامی بخواهد عزت و حیات خود را حفظ کند، باید در مقابل افزون‌خواهی و زیاده‌طلبی آنها، قاطعیت نشان دهد.
- شما هم برای ملت و برای کشور خودتان، متقابلاً حق ندارید که سر سوزنی از منافع کوتاه بیایید؛
- هیچ خلاف انتظارمان نبود که در یک ماجرای جنگ دیپلماسی، به خاطر غفلت خودمان ضربه‌ای بخوریم.
- آنها از موضع بالا صحبت می‌کنند؛ جمهوری اسلامی هم از موضع بالا صحبت می‌کند.
- روابط را با اروپا، هرچه می‌توانیم، به آن صورت و آن قیمتی که برای ما می‌ارزد - نه به هر قیمتی - تعمیق کنیم.

- در مذاکرات سیاسی، «لحظه» مهم است. اگر شما بی اطلاع باشید، «لحظه» را از دست داده‌اید و در مذاکره عقب مانده هستید و طرف مقابل پیشرفت کرده است.
- ما در نوع رابطه‌مان با امریکا، استدلالهای محکم و خدشه‌ناپذیر داریم.
- در مورد رفتارمان در زمینه‌ی مذاکرات خاورمیانه، استدلالهای محکم و غیرقابل خدشه داریم؛
- در زمینه‌ی رفتارمان با مجموعه‌ی اروپا - همان رفتاری که می‌دانید و مشخص شده است و براساس آن کار می‌شود - استدلالهای متین و محکم وجود دارد.
- در زمینه‌ی رفتارمان با کشورهای اسلامی - بخصوص کشورهای همسایه - که بر تشنج‌زدایی و نزدیک شدن و رفع سوء تفاهمها و دلگرمیهای روز افزون اصرار هست، استدلالهای محکم وجود دارد.
- سیاست دولت امریکا امروز عبارت از این است که نظام اسلامی را به عنوان یک الگو از صحنه‌ی سیاست جهانی حذف کند؛
- سعی کنید تا آنجایی که می‌توانید، براساس پایه‌های درستی حرکت کنید.
- هرچه می‌توانید، باید سعی کنید تشنج را بکاهید، ارتباطات را مستحکمتر نمایید و رفتارها را رفتارهای اطمینان‌بخشتری بکنید.
- تشنج‌زدایی به هیچ وجه به معنای نقض سیاستهای اعلام شده‌ی مستدل منطقی متین ما نیست.
- سیاست خارجی و دستگاه اداره کننده‌ی سیاست خارجی، در حقیقت نیمی از نظام سیاسی است.
- بسیاری از مشکلات کشورها را دیپلماسی توأم با ابتکار و اقتدار می‌تواند حل کند.
- دیپلماسی، ابزار کارآمد اقتدار نظام سیاسی است.
- دستگاه دیپلماسی دست توانایی برای حل مشکلات کشور است.

- اگر مهارت دیپلماتیک به کار گرفته شود، بسیاری از تهدیدها می‌تواند به فرصتها تبدیل گردد.
- از هر طرفی که تهدید بزرگتری بود، این برای جهت‌گیری سیاست خارجی تعیین کننده است.
- عناصر تأثیرگذار و تعیین کننده در وزارت خارجه، باید نسبت به آرمان نظام سیاسی و جهت‌گیری نظام سیاسی، جزو وفادارترین انسانهای کشور باشند.
- در مقابل قدرتی که شما قرار گرفتید - مثل قدرت امریکا - هرچه که شما امتیاز بدهید، یک امتیاز بعدی هم وجود دارد که باید بدهید. اگر ندادید، همین هیاهو و جنجال هست.
- در مذاکرات سیاسی، همیشه این مبنای استقلال - استقلال رأی جمهوری اسلامی - و ایستادگی و تسلیم نبودن در مقابل تحمیلها را در نظر داشته باشید؛
- دیپلماسی، اثرگذاری است.
- نقش اسلام را در دنیا هرچه می‌توانید، پُررنگتر کنید.
- یکی از کارهای اساسی برای ما مجموعه‌سازی است.
- من تقویت روابط با آسیا را هم یک فصل بسیار مهمی می‌دانم؛
- ما بایستی تفهیم کنیم که غرب مساوی با امریکا نیست.
- عالم دیپلماسی، عالم اغماض و رودربایستی و ملاحظه‌کاری و «حالا این دفعه را بگذریم ببینیم چه می‌شود»، نیست.
- عزیزان من در نمایندگیها، ارتباط خود را با قرآن قطع نکنند. اصرار دارم حتماً هر روز قرآن کریم را تلاوت کنید؛ ولو یک صفحه، ولو نیم صفحه؛ اما این هر روز تکرار شود.
- اعتماد به نفس ملی و شجاعت در بیان مبانی و سیاستهاست.
- تعیین اولویتها براساس منافع ملی باید نوبت به نوبت عوض شود.
- یکی از راهکارهای استفاده از ظرفیت بالای جهان اسلام، این است که ما دنیای اسلام را به اتحاد ممکن اسلامی - همان مقدار که

ممکن است - دعوت کنیم.

□ کشورهای بی که در عرصه‌ی بین‌المللی دارای قدرت تأثیرگذاری‌اند، اینها هم یکی از اولویتهایند.

□ تهدید را کاملاً جدی بگیرید؛

□ هیچ‌کس حق ندارد مرگ این ملت را، ذلت این ملت را قبول کند، هر که می‌خواهد باشد؛

□ ما باید ابتکار عمل، برنامه‌ریزی جامع و تفصیلی و سرعت عمل و پیگیری را در مجموعه‌ی دستگاه دیپلماسی کشور تقویت کنیم.

□ در مسائل جهانی هر تصمیمی گرفته می‌شود، باید با سرعت عمل باشد. توقف، تردید و درنگ بی دلیل به هیچ‌وجه جایز نیست.

□ در برخورد با نگرشهای مخالف با هویت جمهوری اسلامی، دچار انفعال نشوید.

□ ما این ایده‌ی مخالفت با سلطه‌گری و سلطه‌پذیری را، به‌عنوان یک ستون مستحکم، در فضای سیاست بین‌المللی در سطح دولتها و ملتها استقرار دهیم.

□ تعامل با دولتها به هیچ‌وجه به معنای دست کشیدن از اصول و ارزشها نیست.

□ ما در دنیا از ابزارهای عملیاتی به معنای تروریسم و کارهایی از این قبیل مطلقاً استفاده نکردیم و نخواهیم کرد؛

□ نفس اعلام مواضع اسلامی در دنیای اسلام، اعتبار ما را افزایش می‌دهد.

□ میدان سیاست خارجی، میدان بسیار وسیع و تلاش‌طلبی است.

□ در قضیه‌ی حقوق بشر، موضع ما موضع تدافعی نیست؛ موضع مان‌تهاجمی است.

□ تعامل مستحکمی بین شما و رسانه‌های کشور، شبکه‌های بین‌المللی بی که ما داریم، لازم است.

□ این تخریب روحیه‌هایی که از طرف دستگاه‌های مطبوعاتی و

دستگاه‌های ارتباطی دنیای استکبار انجام می‌گیرد، بخش مهمی از آن، هدفش من و شما هستیم؛ بیش از مردم.

□ هر ملاقات دیپلماسی، هر حرکت دیپلماسی، هر جوله‌ی دیپلماسی به کشورها، اینجا، آنجا، بایستی سنجیده، حساب شده و متکی بر پیش‌بینی‌های درست باشد.

□ مذاکره‌ی دیپلماسی، یک فن است؛

□ این ابهت انقلابی را حفظ کنید

□ از روابط اقتصادی برای کیفیت دادن به روابط سیاسی باید استفاده

بشود.

□ احساسی برخورد نکردن

□ قدرت‌های جهانی از دیپلماسی قوی ما بیمناک‌اند

□ پیروی از خط امام در سیاست خارجی

□ بایستی مصالح کشور در روابط‌ها رعایت شود

□ اگر تنها باشیم، آسیب پذیریم

□ دیپلماسی ما توسعه طلبانه و تجاوزکارانه نیست

□ شما به عنوان یک دیده‌بان عمل کنید

بیانات در دیدار وزیر امور خارجه
نمایندگان سیاسی ایران در خارج
از کشور ۱۳۹۰/۱۰/۷

راهبردهای مقام معظم رهبری به فعالان خط مقدم پیکار عظیم
بین‌المللی
۱۳۹۰/۱۰/۷

بسم الله الرحمن الرحيم

خوشامد عرض میکنیم به برادران عزیز؛ فعالان خط مقدم پیکار عظیم بین‌المللی در عرصه‌ی سیاست خارجی و دیپلماسی. از خداوند متعال مسئلت میکنیم که توفیقات خودش را شامل حال شما، ما و همه بفرماید؛ بتوانیم صراط مستقیم را در هر برهه‌ای پیدا کنیم و بر آن پای بفرسیم. از جناب آقای دکتر صالحی هم تشکر میکنم؛ مطالب خوبی را بیان کردند. آنچه که ایشان به عنوان عملکردها و آرزوها بیان کردند، کاملاً درست است و چشم‌انتظاریم که ان‌شاءالله آن آرزوها تحقق پیدا کند؛ و این محتاج تلاش همراه با اخلاص و توکل به خدای متعال است. البته امروز دستگاه دیپلماسی ما بدون شک از اوائل انقلاب پخته‌تر و کاربلدتر و آماده‌تر است.

روحیه‌ی اخلاص و توان طلبی

یک جمله عرض کنیم در زمینه‌ی توجه به عنصر معنوی در این فعالیتها. در همه‌ی تلاشهای ما، آن چیزی که به تلاش ما برکت میدهد و اراده و عزم ما را راسخ میکند، توکل و توجه به خدای متعال و اخلاص است. در همه‌ی زمینه‌ها این لازم است. شما که در خارج از کشور زندگی میکنید، خودتان، خانواده‌هاتان، فرزندانان به این عنصر احتیاج زیادی دارید. خب، خدا را شکر میکنیم؛ وزارت امور خارجه از لحاظ عناصر مؤمن و دارای روحیه‌ی انقلابی، جزو وزارتخانه‌های خوب و غنی ماست؛ در این هیچ تردیدی نیست. بنده هم با فعالیتهای برادران

آشنا هستم؛ تلاشهایی که میکنند، مجاهدتهایی که میکنند. هرچه توجه به خدای متعال بیشتر باشد، اخلاص انسان بیشتر باشد، توکل ما به خدا بیشتر باشد، کار بهتر پیش خواهد رفت. خطاست اگر تصور کنیم بدون تکیه‌ی به قدرت الهی، بدون استمداد از قدرت الهی، خواهیم توانست قدمی از قدم برداریم. کار بابرکت، آن کاری است که همراه باشد با روحیه‌ی اخلاص و توان‌طلبی و استغاثه‌ی به پروردگار. رابطه را با خدا باید قوی کرد. شما دوستان و برادران عزیز، بخصوص در درون مجموعه‌ی خودتان به این نکته توجه مضاعف کنید. در درون مجموعه، یعنی هم خانواده‌ی بزرگ سفارت و عناصر مرتبط با دستگاه دیپلماسی شما - در هر کشوری که مستقر هستید - هم در رابطه‌ی با خانواده‌ی کوچک، یعنی همسران و فرزندان، ارتباط را با خدای متعال قوی کنید.

انس با معارف اسلامی

من اطلاع دارم که در سفارتخانه‌های ما مراسم مذهبی گرفته میشود؛ در ماه محرم، در ماه رمضان، حتی روزه‌خوانی میشود، بعضی جاها سینه‌زنی میشود؛ اینها خوب است، اینها مظاهر و ظواهری است که چیزهایی را برای ما تأمین میکند؛ اما بیش از این لازم است: انس با معارف اسلامی لازم است، انس با دعا لازم است، انس با قرآن لازم است. کاری که شما دارید میکنید، یک کار متعارف معمولی نیست.

دیپلماسی عرصه‌ی هم‌آورد و مقابله

شما در یک جبهه‌ای دارید پیکار میکنید که با جبهه‌ی دیپلماسی دنیا متفاوت است. عرصه‌ی دیپلماسی، همه‌جا عرصه‌ی هم‌آوردی و مقابله است؛ چون منافع کشورها، منافع ملتها با یکدیگر اصطکاک پیدا میکنند، تصادم پیدا میکنند؛ این تصادمها در موارد زیادی خودش را در میدان دیپلماسی نشان میدهد؛ لذا همه جا این درگیری و هم‌آوردی وجود دارد. لیکن مسئله‌ی شما فراتر از این است. شما نماینده‌ی یک نظام الهی و

معنوی هستید. این نظام اگر هیچ کاری هم با هیچیک از قدرتها و دولتهای مستکبر دنیا نداشته باشد، آنها با او کار دارند؛ چون طبیعت این نظام، طبیعت مقابله‌ی با استکبار، مقابله‌ی با ظلم و تجاوز است. الان شما در همین کشورهای تازه‌به‌پاخاسته و ملت‌های بیدار شده ملاحظه کنید؛ هر جایی که گفته میشود فلان جبهه‌ی اسلامی غلبه کرد - یا در انتخابات، یا در تظاهرات - دستگاه استکبار نگران میشود و نگرانی خودش را بروز میدهد؛ در حالی که معلوم نیست اینهایی که در انتخابات پیروز شدند، بعداً چگونه عمل خواهند کرد. آنچه که آنها را متوحش میکند، نفس‌گرایش اسلامی است؛ چون گرایش اسلامی در درون خود، ضد استکباری است، ضد ظلم است، ضد اشغالگری است، ضد تجاوز به حقوق انسانهاست؛ یعنی چیزهایی که پایه‌های حکومت استکبار در دنیاست. حکومت استکباری در دنیا بدون دخالت در کشورها، بدون تجاوز به حقوق ملتها، بدون تعرض به منافع ملتها که نمیتواند سر پای خود بایستد؛ چون این پایه‌ها با اسلام، با نام اسلام، با شعار اسلام، با هویت اسلامی در تضاد طبیعی است؛ لذا هر جایی که نامی از اسلام آورده میشود، اینها نگران میشوند.

قوت قلب و عزم راسخ در دیپلماسی

خب، حالا شما یک نظامی دارید، دولتی دارید، مجموعه‌ی کشوری دارید که اساساً به نام اسلام ساخته شده، با نام اسلام رشد پیدا کرده، روزه‌روز شعارهای اسلامی در آن برجسته‌تر شده، پیشرفت زیر سایه‌ی این شعارها انجام گرفته. امروز ما در صنعت هسته‌ای‌مان، یا در صنعت نانو، یا در این صنایع حساس پیشرفته‌ی مدرن، وقتی با مدیران و سرمداران اینها مواجه میشویم، افتخار میکنند به این که ما بسیجی هستیم و بسیجی عمل میکنیم. نظام جمهوری اسلامی یک چنین نظامی است. بنابراین طبیعی است که شما یک چالش فوق‌العاده‌ای دارید؛ چالشی فراتر از چالشهای متعارف دیپلماسی که در عرصه‌ی دیپلماسی

معمول است و همه جا هست. این موضع، احتیاج دارد به قوت قلبی، به عزم راسخی که جز با توکل به خدای متعال و اعتماد به قدرت الهی به دست نمی‌آید.

معنای مبارزه‌ی مقدّس

به خدای متعال باید حسن‌ظن داشته باشیم. خداوند متعال ملامت میکند آن کسانی را که به او حسن‌ظن ندارند؛ سوء‌ظن به خدا دارند. سوء‌ظن به خدا چیست؟ سوء‌ظن به خدا این است که انسان خیال کند این که فرموده است: «و لینصرنّ الله من ينصره»، (۱) خلاف واقع است؛ یا این که فرموده است: «الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا»، (۲) وعده‌ی تخلف‌پذیری است. آن وقت خدای متعال در سوره‌ی فتح میفرماید: «و يعذبُ المنافقين و المنافقات و المشركين و المشركات الظّانّين بالله ظنّ السوء»؛ خصوصیت مشرکین و مشرکات و منافقین و منافقات این است که به خدا سوء‌ظن دارند. بعد میفرماید: «عليهم دائرة السوء و غضب الله عليهم و لعنهم و اعدّ لهم جهنّم و ساءت مصيرا»، (۳) نباید به خدا سوء‌ظن داشت. خدای متعال گفته است: اگر برای من، برای پیشبرد دین من، برای احیای ارزشهای مورد قبول من حرکت کنید، اقدام کنید، من به شما کمک میکنم. این راست است، این وعده‌ی الهی است. فرموده است: «انّ الله يدافع عن الذين ءامنوا»؛ (۴) هر کسی که مؤمن به خداست، خدا از او دفاع میکند. خب، خیلی از مؤمنین در دنیا هستند، خدا از آنها دفاع نکرده - مؤمنینی که زیر لگد مستکبرین دارند له میشوند - چرا؟ این به خاطر این است که به سنتهای دیگر الهی عمل نشده است؛ به خاطر این است که حرکت نشده، قیام نشده، اقدام نشده. بنابراین مجاهدت لازم است، تلاش لازم است. یک ملتی اگر مؤمن به خدا بود، اما تلاش نکرد، مجاهدت نکرد، البته لگدمال میشود؛ آن «يدافع عن الذين ءامنوا» دیگر اینجا را نمیگیرد. این ایمان باید با مجاهدت همراه باشد، آن وقت خدای متعال آن وعده را عملی خواهد کرد. معنای «و الَّذِينَ

هاجرُوا وجاهدُوا فی سبیل اللّٰه» (۵) این است که باید حرکت کرد، باید اقدام کرد، باید تصمیم گرفت. این همان مبارزه‌ی مقدسی است که یک مؤمن عمر خود را وقف آن میکند.

آرمان‌های بلند، نقطه‌ی مقابل راحت طلبی

خب، نقطه‌ی مقابلش هم میل به راحت طلبی است. مبارزه در دسر دارد؛ شکی نیست. هر حرکت دشواری در راه هر آرمان بلندی، نفس راحت طلب عافیت جوی انسان را می‌آزارد. انسان میل به راحت طلبی دارد. اگر بر این میل فائق آمدیم، اگر توانستیم همت خود را، نیروی خود را در راه این آرمانها بسیج کنیم، البته سختی‌هایی دارد، اما رسیدن به قله، موفقیت را هم دارد.

شعارهای انعکاس انقلاب اسلامی همه‌ی نقاط

شما امروز را در جمهوری اسلامی مقایسه کنید با سالهای اول انقلاب: سالهای غربت، سالهای تنگدستی و تهیدستی، سالهای سختی همه‌جانبه؛ این طرف جنگ، آن طرف تحریمهای بین‌المللی، آن طرف بستن همه‌ی راه‌ها به روی ما. اینها حرفهایی است که تکرار شده، شماها هم میدانید. شماها خودتان هم آن روزها در همین عرصه‌ها و میدانها بوده‌اید - یا در سپاه یا در بسیج یا در مجموعه‌های فعال - سختی‌ها را دیده‌اید. امروز را هم نگاه کنید. امروز جمهوری اسلامی گردنی برافراشته دارد؛ در حالی که شعارهایی که سی سال پیش میداده، امروز در کشورهایی که سی سال با ما دشمنی کردند، دارد تکرار میشود. اینها موفقیت نیست؟ اینها پیشرفت نیست؟

من در آن جلسه‌ی بیداری اسلامی گفتم که اوائل انقلاب جزو چیزهایی که ما تصور میکردیم، این بود که بازتاب حرکت انقلابی ما در کشورهای گوناگون اسلامی و در درجه‌ی اول در مصر تحقق پیدا کند. از مصر هیچ صدائی بلند نمیشد - حالا من آنجا یک شعر عربی خواندم؛

عربهایی که در جلسه بودند، فهمیدند که من چه دارم میگویم - اما امروز این مصر، مصر حسنی مبارک، مصر انورالسادات، مصر پناه‌دهنده‌ی به محمدرضا شاه مطرود از همه جا حتی از آمریکا، در اختیار مردمی است که شعار الله اکبر می‌دهند، نماز جماعت می‌خوانند، شعار اسلامی می‌دهند، حکومت اسلامی را مطرح میکنند. پیشرفت یعنی این، استحکام یعنی این، قدرت یعنی این. هیچ کار نداریم به این که بگوئیم آنها از کی یاد گرفتند؛ خوب است این حساسیتها را اصلاً ایجاد نکنیم. چه لزومی دارد بگوئیم آنها از کی الهام گرفتند؟ نه، بحث الهام گرفتن نیست؛ بحث این است که حرفی که ما سی سال است داریم می‌زنیم، امروز در شمال آفریقا، در خاورمیانه، در خلیج فارس، این حرف سبز شده. امروز ایران اسلامی این است. همه‌ی این تلاشی هم که شما مشاهده میکنید علیه جمهوری اسلامی میشود - تحریمهای همه‌جانبه، کارهای گوناگون، فشارهای سیاسی، تبلیغات مختلف - به خاطر این موفقیتی است که جمهوری اسلامی به دست آورده. اینها معنایش همان «و الذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبلنا» است، اینها معنایش همان «ان الله یدافع عن الذین ءامنوا» است، اینها تفسیر و ترجمه‌ی «لینصرن الله من ینصره» است. ما دیگر در کتاب، اینها را نگاه نمیکنیم؛ ما توی واقعیت زندگی مان داریم تفسیر این آیات را مشاهده میکنیم. واقعیتهای زندگی دارد این را به ما نشان میدهد.

دیپلماسی بر اساس حرکت آرمانی

خب، بر این اساس، دیپلماسی را بنا کنیم؛ که خوشبختانه همین جور است. حرکت ما در جبهه‌ی ظریف خطیر بسیار مؤثر دیپلماسی باید حرکتی باشد با این دید و با این نگاه و با توجه به این آرمانها. این خطاست که ما خیال کنیم اگر به مبانی ارزشی خودمان پابند بمانیم، در عالم دیپلماسی عقب میمانیم؛ ابداً. در این دوره‌های مختلف، بوده‌اند کسانی در عرصه‌ی دولتی خودمان، در بخشهایی از دیپلماسی و غیر دیپلماسی و حتی در بخشهایی از روحانیت خودمان، که در این مسائل

تردید پیدا کردند که حالا پابندی‌های ارزشی ما چقدر اجازه می‌دهد که ما در زمینه‌ی دیپلماسی موفق باشیم. نه، ما تجربه کردیم، دیدیم هرچه پابندی ما بیشتر باشد، هیبت جمهوری اسلامی در چشم طرف مقابل بیشتر خواهد شد؛ احترام جمهوری اسلامی در نظر طرف مقابل بیشتر خواهد شد.

موفقیت در مذاکره؛ مرهون مبانی فکری

یک دوره‌ای بعضی از مسئولین خیال میکردند که اگر چنانچه در ملاقاتهای بین‌المللی خودشان حرفهای آنها را برایشان تکرار کنند، خوب است. و همین کار را هم میکردند؛ می‌نشستند همان حرفهایی را که آنها صد سال است دارند میزنند، برای آنها دوباره تکرار میکردند. این، شما را پیش او سبک میکند؛ این نشان میدهد که شما از خودتان هیچ چیزی ندارید؛ در حالی که وقتی شما خودتان حرف دارید، خودتان مبنا دارید، بر روی مبناي خودتان می‌ایستید، بر روی تحلیل خودتان از حوادث و ترسیم آینده می‌ایستید، و بعد با قدرت حوادث را مدیریت میکنید، این شما را در چشم طرف مقابلتان تقویت میکند؛ و تقویت در چشم طرف مقابل، یکی از ابزارها و راه‌های پیروزی است. این را توجه دارید که پیروزی بر سر میز مذاکره و استدلال طرف مقابل را از او گرفتن و استدلال خود را بر ذهن او تحمیل کردن، مهمترین پایه‌ی پیروزی‌ها در صحنه‌ی عمل است. یک مذاکره کننده‌ی قوی آن کسی است که میتواند مبانی فکری خودش را بر مبانی فکری طرف مقابل مذاکره کننده تغلیب کند، غلبه بدهد. البته این کار با های و هو نمیشود؛ این با هوشمندی، ظرافت، استحکام عقلانی و اعتماد به نفس امکان‌پذیر است؛ این هم با توکل به خدای متعال، با انس بیشتر با قرآن، با انس بیشتر با ادعیه به دست می‌آید.

تعیین‌کننده بودن استحکام درونی

من به شما عزیزان توصیه میکنم که با صحیفه‌ی سجادیه انس بگیرید،

دعای پنجم صحیفه‌ی سجادیه را مکرر در مکرر بخوانید. این دعای پنجم صحیفه‌ی سجادیه مال ماست. همه‌ی ادعیه‌ی صحیفه‌ی سجادیه همین طور است. آنجائی که ما را به یاد مرگ می‌اندازد، آنجائی که ما را از لغزشها برحذر میدارد، آنجائی که عظمت معنویت دستگاه الهی را، از پیغمبر و یاران و ملائکه‌ی الهی را به رخ ما میکشد، اینها همه‌اش برای ما استحکام‌بخش است. در هر میدانی، استحکام درونی برای ما تعیین کننده است. اگر ساخت درونی - چه درون شخصی خود ما، درون روحی و فکری خود ما، چه درون کلیت جامعه‌ی ما - ساخت مستحکم بود، هیچ چیز نمیتواند در مقابلش بایستد. این، مهمترین و اولین توصیه‌ی من به شماست.

مراقبت از خود و خانواده در عرصه‌ی دیپلماسی

دستگاه دیپلماسی مهم است. عرصه‌ی دیپلماسی، عرصه‌ی مبارزه است؛ در این مبارزه باید قوی باشید. اگر میخواهید قوی باشید، ارتباط با خدا را مستحکم کنید؛ هم خودتان، هم خانواده‌تان. خانواده را مهم بشمرید؛ چه خانواده‌ی بزرگ دیپلماسی، چه خانواده‌ی شخصی خودتان. گاهی اوقات یک رخنه‌ی کوچک در درون خانواده، ما را تغییر میدهد. امیرالمؤمنین فرمود: زبیر با ما بود، از ما اهل بیت بود. واقعاً هم همین جور بود. میدانید بعد از رحلت پیغمبر، در مسجد، در پای منبر خلیفه‌ی اول - جناب ابوبکر - حدود ده نفر از صحابه بلند شدند و صریحاً از امیرالمؤمنین دفاع کردند؛ گفتند اینجائی که شما نشستهای، حق علی بن ابی طالب است. یکی از آن ده نفر، زبیر بود! زبیر، رفیق دوران عشرت نبود؛ رفیق دوران محنت بود. امیرالمؤمنین فرمود: زبیر همواره با ما بود، «حتی شب ابنه عبدالله»؛ (۶) تا پسرش عبدالله بزرگ شد، آمد توی عرصه، در تصمیم‌گیری‌ها دخالت کرد؛ آن وقت او عوض شد. زبیر همانی شد که آمد در مقابل امیرالمؤمنین شمشیر کشید! گاهی اوقات یک رخنه‌ی کوچک در درون خانواده، یک چنین اثر بسیار مهمی میگذارد.

لذا باید جلوی این رخنه را گرفت؛ و این هم جز با توکل به خدای متعال، جز با ذکر، جز با توجه، امکان‌پذیر نیست.

انقلاب‌های منطقه به معنای حقیقی کلمه‌ی انقلاب

یک نکته‌ی دیگر این است که امروز - همان طور که در صحبت‌های جناب آقای صالحی هم واضح بود - وضع آرایش سیاسی دنیا در حال یک تغییر اساسی است. یک کار بزرگی دارد در دنیا انجام می‌گیرد. من الان نمیتوانم این را درست تعریف کنم؛ شاید هیچ کس نتواند درست تعریف کند. یک حادثه‌ای در دنیا دارد اتفاق می‌افتد. بخشی از این حادثه مربوط است به همین کشورهای اسلامی و عمدتاً عربی و این انقلاب‌هایی که در این کشورها اتفاق افتاد. اینها واقعاً انقلاب است. با یک تفسیر و تحلیل درست، اینها همه‌اش به معنای حقیقی کلمه انقلاب است؛ البته در قد و اندازه‌ها و قواره‌های مختلف. این یک بخش از قضیه است، یک بخش از قضیه هم این حوادث عجیبی است که در دنیا دارد اتفاق می‌افتد و من برایش شبیهی سراغ ندارم. حالا شما به حافظه‌ی تاریخی خودتان مراجعه کنید، ببینید شبیهی برای اینها میشناسید؟

شباهت و تفاوت‌های اساسی انقلاب‌های منطقه با انقلاب‌های گذشته

البته در قضایای بیداری اسلامی، چرا؛ در مواردی شباهتها و نیز تفاوت‌های اساسی‌ای با انقلاب‌های گذشته‌ی این منطقه وجود دارد؛ هرچند نه به این عظمت و نه به این عمق. مثلاً فرض بفرمائید در اواخر دهه‌ی ۵۰ و اوائل دهه‌ی ۶۰ میلادی در همه‌ی این کشورهایی که شما مشاهده میکنید، انقلاب رخ داد. در مصر انقلاب رخ داد، در تونس انقلاب رخ داد، در مغرب انقلاب رخ داد، در الجزائر انقلاب رخ داد؛ همه‌ی اینها حرکت کردند، منتها با یک تفاوت اساسی. اولاً این انقلابها عمومی نبود - بیشتر مجموعه‌ای و محدود بود - یک جاهائی فقط کودتا بود؛ مثل مصر که کودتا بود، یک گروه افسر جوان آمدند سر کار؛ یک جاهائی

مثل الجزائر کودتا نبود، حرکت مردمی بود، منتها تحت اشراف احزاب؛ احزاب بودند که مسلط بودند؛ کار در اختیار مردم به معنای خاص خودش نبود. بنابراین یک تفاوت اینجوری وجود دارد و الان بکل وضعیت جور دیگری است.

یا اگر بخواهیم شبیه دیگری برای این انقلابها فکر کنیم، میتوانیم به حوادث دهه‌ی ۹۰ اروپای شرقی اشاره کنیم، که نظام این کشورها یکی پس از دیگری فرو میریخت. البته تفاوت اساسی‌اش این است که در آن حوادث، رشته‌ی اصلی به دست آمریکا و غرب بود. مثلاً وقتی این حوادث در لهستان شروع شد، از یک عنصر دست‌پرورده‌ی غربی - ولو حالا از طبقه‌ی کارگر - استفاده کردند؛ که این بعدها روشن شد. اوائلی که حوادث اتفاق می‌افتاد، ماها نمیفهمیدیم چه دارد اتفاق می‌افتد؛ لیکن بعد معلوم شد که این، ساخته و پرداخته‌ی غرب بوده؛ کمک کرده‌اند، چه کرده‌اند. تفاوت آن حوادث و این انقلابها این است که اینجا درست نقطه‌ی مقابل آن قضایاست؛ یعنی اینجا آنچه که دارد اتفاق می‌افتد، علی‌رغم آمریکاست که دارد اتفاق می‌افتد. البته تفسیرهای وهم‌آلودی وجود دارد - شما هم میدانید، من هم میدانم - که تصور میکنند آنچه که در مصر یا در لیبی یا در تونس اتفاق افتاد، پشت سرش آمریکاست که دارد مدیریت میکند. اینجور نیست، اینها توهم است. بله، آمریکائی‌ها بدشان نمی‌آمد که به جای عنصری مثل مبارک، یک عنصر دموکرات مردمی‌ای داشته باشند که به قدر مبارک تابع آنها باشد - این برایشان بهتر بود - اما چنین چیزی امکان نداشت و ندارد. اگر یک عنصر دموکرات میهن‌دوستی باشد، مثل مبارک امکانات کشور را در اختیار آمریکا نمیگذارد؛ موضعش در مقابل اسرائیل، موضع یک صهیونیست نمیشود. بنابراین، این عملی نبود.

این که ما تصور کنیم اینها برای آنکه وجهه‌ی خودشان را درست کنند، مبارک را کنار زدند تا یکی دیگر را سر جایش بیاورند، یک توهم محض

است. آمریکائی‌ها اگر مدیریت این حرکتها را به عهده داشتند، نمیگذاشتند مبارک به این وضع رقتبار دچار شود - این برای آنها خیلی ضرر داشت - نمیگذاشتند مردم بیایند توی میدان. مگر وقتی مردم آمدند توی خیابان، دیگر میشود آنها را برگرداند؟ حالا به تعبیر رایج - که اهانت‌آمیز است، نمیخواهم - مگر میشود این غول را دوباره به شیشه برگرداند؟ امکان ندارد. آنها اگر میتوانستند یک حرکت طبق میل خودشان انجام بدهند، جور دیگری انجام میدادند؛ شبیه‌اش را در بعضی از جاها داشتیم. مثلاً در ایران، اول کار، یک حکومت بظاهر دموکراتی را سر کار آوردند؛ یا مثلاً در زمان رژیم طاغوت، اصلاحات ارضی را راه انداختند. آنها اینجور کارهایی را میتوانند بکنند که تحت مدیریت خودشان باشد. یک کار عمقی و اساسی که مردم بیایند توی صحنه، وارد میدان بشوند، شعار بدهند، از طبقات پائین مردم، جوانها الهام‌بخش رهبران باشند - که شما در میدان تحریر دیدید رهبران فکری و سیاسی و روشنفکری خیلی‌هاشان بعد از مردم آمدند، دنبال مردم آمدند؛ آنها نبودند که مردم را آوردند، مردم بودند که آنها را آوردند - مگر چنین چیزی امکان‌پذیر است؟ نخیر. حرکت، حرکت مردمی بود. حالا چرا در این برهه ظاهر شد؟ این البته عوامل خودش را دارد. گاهی اوقات عوامل گوناگون متراکم میشوند، از یک جا بروز میکنند، که دیگر نمیشود جلوییش را گرفت.

در انقلاب خود ما هم همین جور بود. بعضی‌ها در انقلاب ما هم میگفتند که این انقلاب، آمریکائی است، انگلیسی است! نمیدانم شماها آن وقتها را یادتان هست یا نیست؛ انقلاب عظیم اسلامی را منسوب میکردند به این که اینها نشستند طراحی کردند، این انقلاب را به وجود آوردند! خب، معلوم بود که این درست نبود.

البته شکی نیست که دستگاه‌های دیپلماسی فعال دنیا، سیاستهای فعال دنیا، در رأسشان آمریکا - که در امر دیپلماسی، مثل بقیه‌ی عرصه‌های

دیگر، فعالیتش خیلی زیاد است - سعی میکنند بر این موج سوار بشوند، دارند تلاش میکنند؛ نباید گذاشت موفق شوند. میخواهند سوار شوند، اما بعید هم هست که بتوانند؛ لذا عقب‌نشینی میکنند. سر قضیه‌ی مبارک، شما دیدید؛ خود رئیس جمهور آمریکا در همان ده بیست روز، چند جور موضع متناقض گرفت: یک بار حمایت کرد، یک بار رد کرد؛ دوباره حمایت کرد، دوباره رد کرد! نمیدانستند چه اتفاقی دارد می‌افتد. بنابراین، این فکرها توهم‌آمیز را باید کنار گذاشت.

صبغهی اسلامی داشتن بیداری

واقعتهای صحنه را باید نگاه کرد. حرکت عظیمی اتفاق افتاده. حرکت، حرکت مردمی است؛ نشان دهنده‌ی بیداری است. این بیداری، صبغهی اسلامی دارد. نه اینکه همه‌ی آنهایی که توی صحنه هستند، معتقد به حکومت اسلامی باشند؛ و نه اینکه آنهایی که معتقد به حکومت اسلامی هستند، مدل ما را قبول داشته باشند؛ اینها نیست، اینها تحلیلهای ضعیفی است، اینجوری نمیشود فرض کرد؛ اما این حرکت، حرکتی عمومی است؛ حرکتی است متکی به مردم. مردم هم، حتی ملی‌گراهاشان، حتی آن وطنی‌هاشان، احزاب غیراسلامی‌شان، بالاخره شخصاً مسلمانند. این تحلیل درستی بود که خود غربی‌ها کردند؛ گفتند امروز در هر کشوری از کشورهای منطقه‌ی خاورمیانه که انتخابات بشود، اسلامی‌ها سر کار می‌آیند. الان هم همین جور است، بعد از این هم تا مدتها همین جور خواهد بود. باید با این چشم مسائل را نگاه کرد.

بی‌سابقه بودن حوادث اروپا و آمریکا

حوادث اروپا هم که در پی مشکلات اقتصادی به وجود آمده، خودش یک داستان مفصلی است. این حوادث، مهم و بی‌نظیر است. اینجور حادثه‌ای را ما دیگر سراغ نداریم. در این کشورها، به شکل زنجیره‌ای و سریالی، از آمریکا گرفته تا داخل کشورهای درجه‌ی یک اروپا، اینجور مردم شعار بدهند، اینجور بیایند توی خیابانها، اینها

چیزهایی است که سابقه ندارد. در گذشته‌ی منطقه، ما یک چنین وضعیتی را نمی‌شناسیم.

مردم و ارزش‌های الهی؛ اساس دیپلماسی

باید دیپلماسی را بر این اساس استوار کرد. جمهوری اسلامی حرف نوئی دارد؛ این حرف نو عبارت است از مردم و ارزش‌های الهی. این دو تا باید با هم توأم بشوند و حرکتها و جوامع را شکل بدهند. این حرف ماست. ارزش‌های معنوی و ارزش‌های الهی، همراه با اراده‌ی مردم؛ نه تحمیل بر مردم. این حرف جدید جمهوری اسلامی است، که از خود کلمه‌ی «جمهوری اسلامی» هم برمی‌آید. ما، هم جمهوری هستیم، هم اسلامی هستیم. این را بایستی تبیین کرد؛ و شما برای این کار میدان دارید، میتوانید حرکت کنید.

ورود در عرصه دیپلماسی با حفظ ارزشها

در زمینه‌ی همین محورهایی که گفتند - دیپلماسی عمومی، دیپلماسی سایبری - تلاش و فعالیت با این نگاه و با این هدف صورت گیرد؛ و بدانید که پیش میرود. اینکه ما تصور کنیم اگر ارزش‌های معنوی را ملاک قرار دادیم، کار دیپلماسی به بن‌بست خواهد خورد، غلط است؛ به بن‌بست نمی‌خورد. میتوان با حفظ همین ارزشها، با پای فشاری بر همین ارزشها، در عرصه‌ی دیپلماسی وارد شد، فعال شد، تلاش کرد، منطق را حاکم کرد و طرفها را رفته رفته و بتدریج به مواضع خود نزدیک کرد. اینکه گفتیم «عزت، حکمت، مصلحت»، حکمت این است. حکمت این است که شما بتوانید مواضع طرف مقابل را حکیمانه به مواضع خودتان نزدیک کنید؛ اینها در تضاد با هم نیستند. حکمت و عزت و مصلحت مکمل همدند؛ باید در جهت مصالح ملی باشند؛ و در درجه‌ی اول باید با حفظ عزت ملی و عزت هویتی همراه باشند. یعنی تسلیم، انسلام، انظلام، نه در مرحله‌ی باورهای قلبی و نه در مرحله‌ی عمل و قرارداد، نباید وجود داشته باشد؛ این با حکمت امکان‌پذیر است. دعوا کردن و اوقات تلخی کردن و حرف

تند زدن، یک وقتی ممکن است به درد بخورد؛ اما این روش عمومی نیست. روش عمومی، حکمت است. حکمت یعنی با منطق، متین در عرصه‌ی دیپلماسی وارد شدن. اگر چنانچه اینجوری پیش برویم، به توفیق الهی پیشرفتهای ما هرگز متوقف نخواهد شد.

حرکت به جلو در عرصه‌ی پیشرفتهای داخلی

خب، در عرصه‌ی مسائل داخلی هم خوشبختانه پیشرفت زیاد است. در همه‌ی بخشها که انسان نگاه میکند، می‌بیند حرکت، حرکت به جلو است. البته نواقص داریم، کمبود داریم. در هر زمینه‌ای یک دشمن میتواند بر روی نقطه‌ای از نقاط منفی ما تکیه کند. بله، بلاشک همین جور است. ما در داخل کشور خودمان، از لحاظ اقتصادی، از لحاظ اخلاقی، از لحاظ جهات گوناگون، ضعفهایی داریم؛ در این هیچ تردیدی نیست؛ مهم این است که می‌خواهیم این ضعفها را برطرف کنیم؛ مهم این است که این ضعفها بمراتب کمتر از آن بزرگنمائی‌هایی است که دشمنان ما دارند میکنند؛ آنها می‌خواهند این ضعفها را تعمیم بدهند و بزرگنمائی کنند و نقاط ایجابی و مثبت را با آن بپوشانند.

لزوم رصد هوشمندانه‌ی حوادث

خب، ما هم دیگر دعواتان کنیم. دعا میکنیم که ان‌شاءالله شما در این عرصه‌ها موفق باشید و پیش بروید. خدای متعال ان‌شاءالله به شماها کمک کند تا در دنیائی که به نظر من دارد شکل می‌گیرد - که گفتم هنوز درست روشن نیست، برای ما قابل تحلیل نیست که چه اتفاقی دارد می‌افتد؛ باید کاملاً هوشمندانه رصد کنیم آنچه را که پیش خواهد آمد و شکل خواهد گرفت - بتوانید نقش‌آفرینی حقیقی و عمیقی داشته باشید.

و السّلام علیکم و رحمة الله

پی نوشت‌ها:

(۱) حج: ۴۰

(۲) عنکبوت: ۶۹

(۳) فتح: ۶

(۴) حج: ۳۸

(۵) بقره: ۲۱۸

(۶) شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۲، ص ۱۶۷

شاخص‌های بیان شده در دیدار وزیر امور خارجه و نمایندگان سیاسی ایران در خارج از کشور

۱۳۹۰/۱۰/۷

□ در همه‌ی تلاش‌های ما، آن چیزی که به تلاش ما برکت می‌دهد و اراده و عزم ما را راسخ می‌کند، توکل و توجه به خدای متعال و اخلاص است. در همه‌ی زمینه‌ها این لازم است.

□ عرصه‌ی دیپلماسی، همه‌جا عرصه‌ی هم‌آوردی و مقابله است؛ چون منافع کشورها، منافع ملتها با یکدیگر اصطکاک پیدا می‌کند، تصادم پیدا می‌کند؛ این تصادمها در موارد زیادی خودش را در میدان دیپلماسی نشان می‌دهد؛ لذا همه جا این درگیری و هم‌آوردی وجود دارد.

□ آنچه که آنها را متوحش می‌کند، نفس‌گرایش اسلامی است؛ چون گرایش اسلامی در درون خود، ضد استکباری است، ضد ظلم است، ضد اشغالگری است، ضد تجاوز به حقوق انسانهاست؛

□ معنای «و الّذین هاجروا و جاهدوا فی سبیل الله» (۵) این است که باید حرکت کرد، باید اقدام کرد، باید تصمیم گرفت. این همان مبارزه‌ی مقدسی است که یک مؤمن عمر خود را وقف آن می‌کند.

□ هر حرکت دشواری در راه هر آرمان بلندی، نفس‌راحت‌طلب عافیت‌جوی انسان را می‌آزارد.

□ هیچ کار نداریم به این که بگوئیم آنها از کی یاد گرفتند؛ خوب است این حساسیتها را اصلاً ایجاد نکنیم. چه لزومی دارد بگوئیم آنها از کی الهام گرفتند؟ نه، بحث الهام گرفتن نیست؛ بحث این است که حرفی که ما سی سال است داریم می‌زنیم، امروز در شمال آفریقا، در خاورمیانه،

در خلیج فارس، این حرف سبز شده. امروز ایران اسلامی این است.

□ این خطاست که ما خیال کنیم اگر به مبانی ارزشی خودمان پابند بمانیم، در عالم دیپلماسی عقب میمانیم؛

□ یک مذاکره کننده‌ی قوی آن کسی است که میتواند مبانی فکری خودش را بر مبانی فکری طرف مقابل مذاکره کننده تغلیب کند، غلبه بدهد.

□ دعای پنجم صحیفه‌ی سجادیه را مکرر در مکرر بخوانید. این دعای پنجم صحیفه‌ی سجادیه مال ماست. همه‌ی ادعیه‌ی صحیفه‌ی سجادیه همین طور است. آنجائی که ما را به یاد مرگ می‌اندازد، آنجائی که ما را از لغزشها برحذر میدارد، آنجائی که عظمت معنویت دستگاه الهی را، از پیغمبر و یاران و ملائکه‌ی الهی را به رخ ما میکشد، اینها همه‌اش برای ما استحکامبخش است.

□ اگر میخواهید قوی باشید، ارتباط با خدا را مستحکم کنید؛ هم خودتان، هم خانواده‌تان. خانواده را مهم بشمرید؛ چه خانواده‌ی بزرگ دیپلماسی، چه خانواده‌ی شخصی خودتان. گاهی اوقات یک رخنه‌ی کوچک در درون خانواده، ما را تغییر میدهد.

□ این انقلابهایی که در این کشورها اتفاق افتاد. اینها واقعاً انقلاب است. با یک تفسیر و تحلیل درست، اینها همه‌اش به معنای حقیقی کلمه انقلاب است؛

□ این بیداری، صبغه‌ی اسلامی دارد.

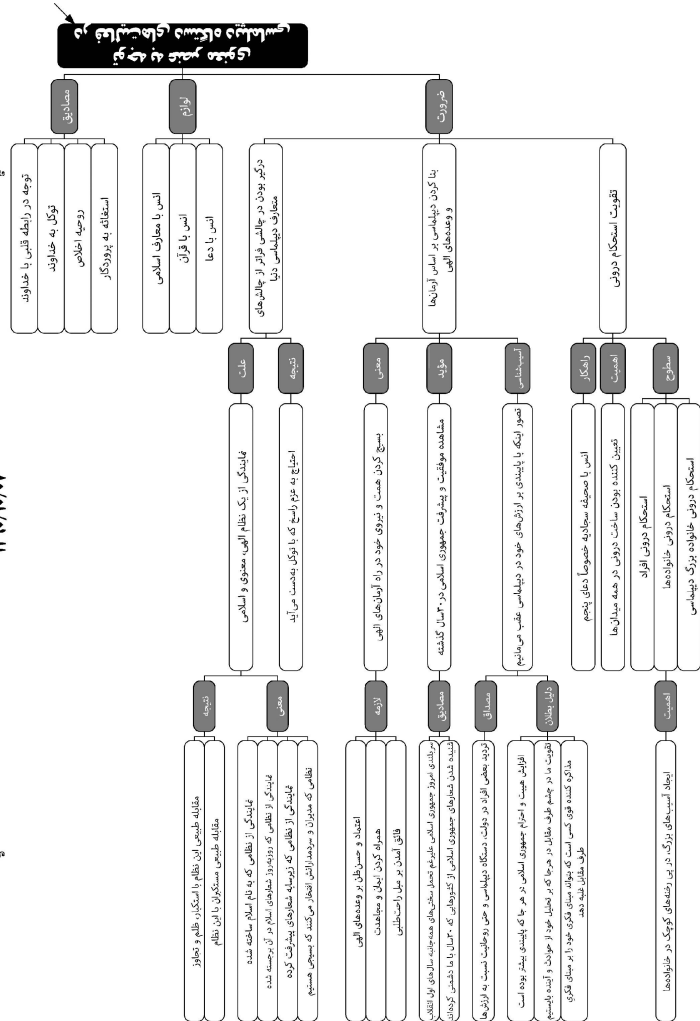
□ حوادث اروپا هم که در پی مشکلات اقتصادی به وجود آمده، خودش یک داستان مفصلی است. این حوادث، مهم و بی‌نظیر است. اینجور حادثه‌ای را ما دیگر سراغ نداریم.

□ حکمت این است که شما بتوانید مواضع طرف مقابل را حکیمانه

به مواضع خودتان نزدیک کنید؛ حکمت و عزت و مصلحت مکمل
همند؛ باید در جهت مصالح ملی باشند؛

□ باید کاملاً هوشمندانه رصد کنیم آنچه را که پیش خواهد آمد و
شکل خواهد گرفت - بتوانید نقش آفرینی حقیقی و عمیقی داشته باشید.

موردی بر بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار وزیر امور خارجه و نمایندگان سیاسی ایران در خارج از کشور
۱۳۹۰/۱۰/۰۷



مروزی بر بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار وزیر امور خارجه و نمایندگان سیاسی ایران در خارج از کشور
۱۳۹۰/۱۰/۰۷

